

ملاحظاتى در باب احياء الدائر و لزوم تصحيح آن

محمد کاظم رحمتى

الى شيخ الوراقين فى عصرنا الراهن، الثبت الورع، الذى اجهد نفسه فى
سبيل احياء و توثيق من دثر من الآثار الإمامية و مصنفاتهم و تصدى للرد
على اهل البدع و التدليس و الواهين.

مقدمه

در سنت تراجم نگارى معاصر، نام مرحوم شيخ آقابزرگ طهرانى به دليل تأليف دو اثر
ارزشمند الذريعه الى تصانيف الشيعة و طبقات اعلام الشيعة شهرت فراوانى دارد. مرحوم آقا
بزرگ در جريان تدوين كتاب الذريعه و گردآورى اطلاعات براى نگارش آن، متوجه اطلاعات
فراوان رجالى آمده در ظهر نسخه هاى يا انجامه هاى آنها شده و در کنار نگارش الذريعه به فكر
تدوين اطلاعات اخير افتاد، مطلبى كه مرحوم منزوى در مقدمه مفيد و ارزشمند خود در آغاز
نوايح الرواة (صفحه كد) به آن اشاره کرده و درباره شيوه و علت نگارش طبقات اعلام الشيعة و
شيوه آقابزرگ سخن گفته است. مرحوم آقابزرگ هنگام مراجعه به كتابخانه هاى مختلف،
فهرستى براى استفاده خود از آن كتابخانه ها تهيه مى کرده و اطلاعاتى را كه خود مشاهده
مى کرده رابثت کرده است. متأسفانه در خصوص اين فهرس اطلاع روشنى در دست نيست
تنها مى دانيم كه اين گونه مطالب مواد اوليه نگارش الذريعه و طبقات بوده اند اما ظاهراً اين
فهرست ها باقى نمانده باشند يا دست كم در حال حاضر از سرنوشت آنها نتوانستيم اطلاعى

بدست آورم.^۱ مجلداتی از کتاب الذریعه و طبقات در همان زمان حیات ایشان به کوشش عده‌ای و از همه مهمتر فرزندشان مرحوم علینقی منزوی منتشر شده است. درباره شیوه و روش مرحوم منزوی در تصحیح و انتشار الذریعه حرف و سخن‌هایی بوده و در این باب مطالبی نوشته شده است جز آنکه به دلیل در دسترس نبودن نسخه‌های اصل طبقات اعلام الشیعه، تنها با احتمال از افزودن و یا دخل و تصرف‌های وی بر کتاب اطلاع داشتیم. خوشبختانه مرحوم منزوی نسخه‌های اصل آثار پدرش را به کتابخانه مجلس داده‌اند. به مناسبت بررسی شرح حال یکی از عالمان امامی قرن نهم و عدم همخوانی صدور ذیل شرح حال وی، به اصل نسخه مراجعه نمودم و متوجه شدم که اشکال رخ داده حاصل دخل و تصرف مرحوم منزوی است و اصل عبارت آقابزرگ فاقد اشکال مذکور است. در میان مجلدات مختلف طبقات، قرن دهم - احياء الدائر من القرن العاشر - به دلیل توجهم به شهید ثانی و تحقیق در خصوص زندگی او، متنی دائماً مورد مراجعه بوده و از همین رو آشنایی نسبی با عالمان آن دوره یافتیم. با مقایسه و تطبیق برخی حال‌های آمده در این مجلد، دریافتم که مرحوم منزوی دست کم در این مجلد و دو مجلد بعدی یعنی رجال قرن یازدهم و دوازدهم، دخل و تصرف‌های فراوانی کرده و شایسته است تا این موارد در نوشتار مشخص شود و تمام مجلدات طبقات، خاصه سه قرن اخیر شایسته و ضروری است تا بار دیگر و با مراجعه با اصل آن مورد تحقیق قرار گیرد، کاری که نگارنده در خصوص قرن دهم در دست انجام دارد. با این مقدمه کوتاه به ذکر برخی از موارد

۱. عبارت مرحوم منزوی چنین است: «... فحين كان المؤلف يتتبع المكتبات الخاصة والعامة ويدرس آلاف المجاميع المخطوطة عشرات السنين ليجمع ما يراه من مشخصات الكتب والرسائل ليدرجها في موسوعته العظيمة لمعرفة الكتب الذريعة، كان يجمع أسماء المؤلفين والكتاب والناسخين والمعلقين والمحشين والمجيزين والمجازين والشعراء ويسجلها في دفاتر تضحمت إلى المجلدات ولما أراد أن يرتبها لم يجذب أن يجمع بين أسماء الأعلام في القرون المختلفة تحت تسلسل الحروف الهجائية كما فعل بأسماء الكتب في الذريعة، بل قسم هؤلاء الأعلام حسب تاريخ وفياتهم في أي قرن حدثت...». در خصوص اینکه مرحوم آقابزرگ از کتابخانه‌هایی که می‌دیده‌اند، فهرستی قابل استفاده برای خود تهیه می‌کرده‌اند، حسین علی محفوظ در مقاله خود درباره فهرستی از نسخه‌های نفیس کتابخانه حرم علوی به این نکته که مرحوم آقابزرگ فهرستی از نسخه‌های خطی روضه حیدریه برای خود تهیه کرده اشاره کرده و نوشته است: «زار هذه الخزانة فئة من الأفاضل، منهم شيخنا العلامة المعمر المورخ... آقابزرگ... ثم وقتت إلى زيارتها في السنة الماضية وقيد أسماء بعض كتبها وقابلته بالفهرس الذي صنعه الشيخ الطهراني...». حسین علی محفوظ، «فهرست الخزانة الغروية بالنجف في مشهد أمير المؤمنين الإمام علي بن أبي طالب (عليه السلام)»، معهد المخطوطات العربية، المجلد الخامس، ذوالقعدة ۱۳۷۸، الجزء الاول، ص ۲۳.



مهم از دخل و تصرفات مرحوم منزوی در تصحیح احیاء الدائر می پردازم. لزوم توجه محققان و انتشار نکات خود درباره طبقات اعلام الشیعة، انتشار فهرست های نسخه های خطی مختلف و امکان تکمیل برخی مطالب آمده در مجلدات مختلف این کتاب از کارهایی است که لازم است تا نسبت به انجام آن از سوی افراد مطلع تلاشی صورت گیرد. توجه ناشران در تجدید چاپ طبقات - همانند ناشر لبنانی، دار احیاء التراث العربی که تمام مجلدات طبقات را اخیراً در مجموعه ای هفده جلدی (بیروت، ۱۴۳۰/۲۰۰۹) منتشر کرده - می طلبد تا نسبت به تصحیح مجدد کتاب بر اساس نسخه های اصل که تفاوت بسیاری با تصحیح منتشر شده توسط مرحوم منزوی دارد، کاری عاجل و دقیق انجام شود.^۱ آنچه که در این نوشتار آمده، تنها برخی نکات مهم است و الا موارد دخل و تصرف بسیار فزونیتر از آن است که در اینجا مورد بحث قرار گرفته است.



۱. سواى مطالب جسته و گریخته که در خصوص دخل و تصرف های نادرست توسط مرحوم منزوی در آثار آقابزرگ که ایشان تصدی چاپ و تصحیح آن بوده اند، شنیده بودم، یادداشت استاد بزرگوار حجت الاسلام و المسلمین سید محمد رضا جلالی - دام عزه - تردید و شک مراد در خصوص چنین تصرفاتی فزونیتر کرده بود (بنگرید به: السید محمد رضا الحسینی الجلالی، «إنقاذ الذریعة مما أدرج فيه من الأخطاء والتصرفات الشنیعة»، همو، علم تحقیق النصوص: ماهو ولماذا و کیف (نجف، ۲۰۱۲/۱۴۳۳)، ص ۲۹۶-۳۱۸). بررسی مطلبی در شرح احوال یکی از عالمان امامی قرن نهم باعث شد تا در خصوص تصحیح مرحوم منزوی برایم تردیدی جدی ایجاد شود که به کار مقایسه احیاء الدائر با اصل خطی آن پرداختم که ثمره آن مقاله حاضر است که نیازی به توضیح دیگر درباره چگونگی دخل و تصرف های مرحوم منزوی در آن نمی بینم. ملاحظات مرحوم علامه سید محمد علی روضاتی درباره احیاء الدائر در ضمن ملاحظات ایشان بر دوره طبقات منتشر شده که مراجعه به آنها برای تصحیح و گاه تکمیل اطلاعات طبقات مفید است. بنگرید به: الحجة السید محمد علی الروضاتی، تکملة طبقات اعلام الشیعة، اعداد محمد برکت (تهران، ۱۳۹۱ش)، ص ۲۴۳-۲۸۸. در نوشتار حاضر به نسخه خطی و چاپی احیاء الدائر مراجعه کرده ام، برای مشخص شدن این موارد هر گاه به نسخه خطی ارجاع داده شده که دارای صفحه شمار مسلسل نیز هست و به صورت ارجاع به نسخه خطی یعنی اشاره به شماره برگ و صفحه شمار مسلسل ذکر شده است.

۱. دخل و تصرف ها در شرح حال ها

سواى آنکه مرحوم منزوى در عبارت هاى آقاي بزرگ در اشاره به نام افراد و يا کتابخانه ها تصرف کرده و از شکلى که آقاي بزرگ آورده، عدول کرده، در چند شرح حال که با نسخه مطابقت دادم، متوجه افزون مطالب فراوانى شدم که تذکرى در خصوص اين موارد نيامده است. بحث بر سر درستى يا نادرستى مطالب آمده نيست که عموماً مطالبى است متناسب به ذهنيت و تفکر مرحوم منزوى و بيگانه با سنت مدرسى آقاي بزرگ و قلم و زبان وى و در موارد متعددى سخنان و مطالب بى اساس و واهى. به عنوان مثال در ذيل شرح حال ابراهيم استرآبادى (صفحه ۱، سطر آخر که عبارت «و کما فعل...») تا آخر شرح حال در صفحه بعد، ذيل شرح حال شيخ ابراهيم قطيفى (ص ۵، سطر ۱۱)، عبارتى که با «و ويشير اسکندري بيگ...» تا آخر متن ادامه يافته؛ يا در ذيل شرح حال مقدس اردبيلى (ص ۸، سطر ۱۵) عبارتى که با «وقد ذهب المقدس فيها الى القول...» تا به آخر که دوسوم متن آمده در شرح حال مقدس اردبيلى است؛ عبارتى که در پايان شرح حال شهيد ثانى (ص ۹۲، سطور ۷ تا ۱۱) با آغاز: «وأورد الحرشعره.. تا آخر؛ يا عبارت نسبتاً مفصلى که در شرح حال دوانى (ص ۲۲۱، سطر ۱۱ به بعد تا آخر شرح حال با آغاز: وقد ذکرنا اکثر مؤلفاته در صفحه ۲۲۲) آمده يا مطالب مفصلى که در شرح حال منصور دشتکى ثانى (صفحه ۲۵۵ از سطر ۷ به بعد با آغاز: قال اسکندر المنشى تا آخر در صفحه ۲۵۷) آمده نمونه هاىي هستند از مواردى که مطالب مفصلى توسط مرحوم منزوى به متن اضافه شده بدون آنکه تذکر داده شده باشد که متن آقاي بزرگ کجا پايان يافته و عبارت خود مرحوم منزوى از کجا شروع مى شود. موارد متعدد ديگرى که عبارتى در حد یک سطر يا بيشتربه متن اضافه شده نيز در سراسر متن به چشم مى خورد. مواردى نيز هست که عبارت به شکلى که توسط مرحوم آقاي بزرگ آمده کاملاً به هم ريخته شده است و آنچه که آمده شکلى جديد و گاه کاملاً دگرگون با عبارت آقاي بزرگ يافته است؛ دو نمونه مهم از اين موارد شرح حال ابن ابى جمهور احسايى و مير محمد اصفهانى است. مرحوم آقاي بزرگ در اصل کتاب (برگ ۱۵۰ الف / صفحه ۲۸۸) در شرح حال معز الدين محمد اصفهانى نوشته است:

«السيد معز الدين محمد بن تقى الدين محمد الاصفهانى المجاز من الشيخ ابراهيم بن سليمان القطيفى فى سنة ۹۲۸ كما حكاها فى الروضات عن بعض اجازات الشيخ



احمد الاحسائی، «اما آنچه که در متن چاپ شده احیاء الدائر صفحه ۲۰۸-۲۰۹ آمده، عبارتی کاملاً جدید است و عبارت آقابرگ در ضمن شرح حالی جدید آمده، درست است که در این مورد مصحح به تکمیل شرح حال پرداخته و اطلاعات مفصلی آورده است، اما شرط تحقیق حکم می کرده که عبارت آقابرگ آورده شود و سپس مصحح در پاورقی مطالب افزوده خود را بیاورد.

۲. انتقال مطالبی از اصل به پاورقی و عدم تمیز میان پاورقی های اخیر با تعلیقات

مصحح

در سراسر متن پاورقی هایی وجود دارد که در هیچ جای کتاب توضیح داده نشده که این پاورقی ها در اصل از خود مصحح است یا نویسنده. با مراجعه به اصل نسخه مشخص شد که در موارد متعددی مرحوم منزوی، عبارت هایی از اصل متن را به پاورقی برده که هیچ کدام از این موارد تذکر داده نشده و در مواردی پاورقی افزوده شده از خود منزوی است به عنوان مثال پاورقی صفحه ۴۴، ۹۰ و ۱۶۶ که اظهار نظری از خود مرحوم منزوی در باب علت شهرت یافتن شهید ثانی به ابن حجه یا ابن حجه است و ایشان گفته اند که کلمه تعریب شده لفظ خواجه است که ظاهراً چنین نیز نیست و عبارت اخیر معنی دیگر دارد (بحث خواجه معرب حجه در متن صفحه ۸۰ و ۲۶۴ نیز آمده است که نمونه ای از دخل و تصرف مرحوم منزوی در خود متن است) یا عبارت مفصل آمده در پاورقی صفحه ۱۲۳ که متأسفانه در چند برگ به آغاز خود نسخه احیاء الدائر نیز افزوده شده و تعلیقه ای از مرحوم منزوی است و ارتباطی با اصل کتاب احیاء الدائر ندارد و پاورقی ۲۴۶، ۲۵۴ و ۲۵۵-۲۵۶ مطلب مفصل آمده در پاورقی، افزوده خود مرحوم منزوی است که البته قلم و زبان آن فرق دارد اما اشاره و تصریحی به آن نشده است. مطالب مفصلی که در چند پاورقی آمده و مشتمل بر متن اجازات یا نکاتی در شرح حال افراد است، در اصل نسخه در متن بوده که مرحوم منزوی بدون اشاره به آن، مطالب مذکور را به پاورقی منتقل کرده است، از موارد مهم این دست می توان به پاورقی صفحات ۵۳، ۱۶۳، ۱۶۵، ۲۲۹، ۲۴۳-۲۴۴ اشاره کرد.

۳. یکی نمودن شرح حال های متعدد بدون اشاره به اصل

در سنت تراجم نگاری به دلیل اختلاف در ذکر نام افراد در انتساب به پدر یا جد یا نیایی

مشهورتر یا گاه شهرت یافتن فرد به کنیه و نسبت به جای نام و نسبتش از جمله مواردی است که باعث می شود تا مدخل های مختلفی برای یک فرد ذکر شود که در حقیقت بریک تن دلالت دارد، مواردی از این دست در اصل احیاء الدائر توسط آقابزرگ بنا بر همان سنت مشهور تراجم نگاری آمده اما مرحوم منزوی در چند مورد این را بدون اشاره به آنچه که آقابزرگ در اصل آورده، یکی نموده است. نمونه مهم از این موارد شرح حال علی بن هلال کرکی مشهور به علی منشار کرکی است و جالب توجه توضیحات و مطالب آقابزرگ در ذیل هر سه عنوان است که هر کدام ناظر به مسئله ای مهم در شرح حال علی بن هلال است. آقابزرگ در اشاره به او نوشته است:

«الشیخ علی [بن احمد المنشار کما یأتی فی ص ۱۹۹] المنشار حکمی الریاض فی ص ۵۹۲ عن عالم آراانه ارشد تلامیذ المحقق الکرکی و صار شیخ الاسلام باصفهان و بعده قام مقامه الشیخ البهائی مدة ثم ذهب الشیخ البهائی الی الحج و طالت سیاحته و لما رجع بعد سنین نصبه الشاه عباس ایضاً. (در این عبارت آقابزرگ اشاره نموده که شیخ علی بن هلال شیخ الاسلام اصفهان بوده و پس از درگذشت وی، شیخ بهایی که داماد او بوده، عهده دار شیخ الاسلامی اصفهان بوده است. شیخ بهایی برای رفتن به سفر حج در تاریخی که البته در اینجا سخنی از آن به میان نیامده و طولانی شدن سفر شیخ بهایی، کس دیگری عهده دار مقام شیخ السلامی در فترت ترک اصفهان و سفر شیخ بهایی به حج بوده است. مطلب مذکور و تاریخ دقیق سفرهای شیخ بهایی و مدت آن از مسائل مورد مناقشه است، هر چند اکنون می دانیم که شیخ بهایی در ۹۹۱ اصفهان را به قصد حج رفتن ترک کرده و در ۹۹۳ سفر طولانی خود را به پایان برده و در اصفهان بوده است. آقابزرگ بدون ورود به بحث زمان سفر شیخ بهایی اشاره کرده که شیخ بهایی در دوران شاه عباس اول که در ۹۹۶ بر تخت نشست و در ۱۰۰۶ اصفهان را به پایتختی برگزیده، بار دیگر شیخ الاسلام اصفهان شده است. بر این اساس ظاهراً مدت سفر شیخ بهایی از دید آقابزرگ طولانی تر بوده اما با گفته مشهور سید علیخان مدنی که زمان سیاحت و سفر شیخ بهایی راسی سال دانسته، چندان موافق نبوده است). وقال السید حسین بن حیدر الکرکی: فی بعض اجازاته المسطورة فی الروضات، ص ۱۸۹ فی ترجمة السید حسین بن الحسن

الموسوى الكركى : ان الشيخ الجليل شيخ الاسلام حقاً على بن هلال الكركى الشهير والده بالمنشار كان تلميذ المحقق الكركى ويروى عنه الميرسيد حسين بن الحسن الموسوى الكركى المتوفى بقزوين سنة ١٠٠١، فيظهر منه ان صاحب الترجمة هو بعينه على بن هلال الآتى ذكره فى ص ٢٢٦.

ورأيت للشيخ على المنشار مسائل فتوائية مختصرة سئلها عن المحقق الكركى فاجاب هو عنها بما هو فتواه بخط المولى ابى المعالى بن ابى الفتوح بن فتحى الكانوى فى سنة ١٠٢٩ و كانت عندى من كتب الشيخ حسين القديحى بن الشيخ على مؤلف انوار البدرين نسخة من كتاب مفتاح الغرر لفتح الباب الحادى عشر من تأليف الشيخ خضر بن محمد بن على الرازى الحبلرودى الذى الفه (٨٣٦) مكتوب فى آخره بعد ذكر اسم المؤلف تاريخ فراغه هذه العبارة: «وكتبه بيده الخاطئة الفانية اقل العباد حزماً واكثرهم جرماً، القليل عملاً، الكثير املاً، الخاضع لذى الهية والكمال على بن احمد بن محمد بن هلال الوثائق بالملك الغفار والمعروف والده باحمد المنشار - عفى الله عنهم اجمعين -»، انتهى بلفظه وتما نسبه بخطه فى آخر نسخة بيان الشهيد واخذ عكسه وادرج فى ج ٤، ریحانة الادب، ص ٨٩ هكذا: «على بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن هلال الراجى عفوره اللطيف الغفار المعروف والده باحمد المنشار» و تاريخ هذا الخط ٢٢ صفر (٩٣١)، فيظهر ان هلالا اسم جده الاعلى فقد يقال له على المنشار او على بن احمد المنشار او على بن هلال نسبة الى الجد الاعلى». (درباره نسخه البيان كتابت شده توسط على بن هلال منشار بنگريد به ادامه) همانگونه كه آقابزرگ گفته، در صفحه ١٩٩، وى را بار ديگر اين گونه معرفى کرده

١. در میان آثار منتشر شده از محقق کركى كه به صورت مجموعه استفتائاتى مى باشد، چند اثر به نام هاى بعض البنود الفقهيّة، أجوبة المسائل الفقهيّة، جوابات المسائل الفقهيّة الاولى، جوابات المسائل الفقهيّة الثانية، فتاوى خاتم المجتهدين، فتاوى المحقق الكركى و فتاوى نائب الامام در دست است كه ظاهراً يكى از آنها بايد اثرى باشد كه آقابزرگ در اينجا از آن سخن گفته اما متأسفانه به دليل آنكه ايشان آغاز نسخه اى را كه ديده نياورده، دقيقاً نمى توان در خصوص تطابق مجموعه اى كه ايشان ديده با چند مجموعه استفتائات در دست از محقق كركى نتيجه صريحى را بيان كرد. براى متن رساله هاى اخير كه احتمال دارد يكى از آنها با اثرى كه آقابزرگ در اينجا از آن سخن گفته ارتباطى داشته باشد، بنگريد به: الشيخ على بن عبد العالى الكركى، حياة المحقق الكركى و آثاره: الرسائل (المجلد السادس)، جمعها و حققها محمد الحسون (قم: منشورات الاحتجاج، ١٤٢٣).

است:

«الشیخ علی بن احمد المنشارمَرَّ بعنوان الشیخ علی المنشار ویاتی بعنوان الشیخ علی بن هلال نسبتته الی المجد الاعلی».

آقابزرگ درذیل علی بن هلال نیز بار دیگر شرح حال وی را براساس آنچه که در برخی نسخه‌های خطی و یا کتابهای تراجم دیده آورده و نوشته است:

«الشیخ علی بن هلال الکرکی من تلامیذ المحقق الکرکی و المجاز منه فی سنة ۹۳۴ و قد کتب هو اجازة لتلمیذه القاری عنده مدة المولی شمس الدین ملک محمد الاصفهانی فی اصفهان فی سنة ۹۸۴ و اورد قطعة من اجازة المحقق الکرکی له فی تلك الاجازة و صورتها فی اجازات البحار و یروی فیها ایضاً عن السید تاج الدین حسن بن جعفر الاطراوی و الشیخ احمد البیضاوی النباطی و الشیخ احمد بن خواتون العینائی و الشیخ ابراهیم بن سلیمان القطیفی (برای متن اجازة بنگرید به: بحار الانوار ج ۱۰۶، ص ۸۰-۸۳). و حکى فی الروضات ص ۱۸۹ فیدل علی انه الشیخ علی المنشار المشهور به و قد ذکرته فی ص ۱۹۶ بعنوان الشیخ علی المنشار عن بعض اجازات السید حسین بن حیدر الکرکی حینا و صفت فیها صاحب الترجمة بقوله: الشیخ الجلیل، شیخ الاسلام حقاً، علی بن هلال الکرکی الشهیر والده بالمنشار الخ»، و ذکر فی الرياض رسالته فی المسائل العامة البلوی من الطهارة کتبها باصفهان سنة ۹۶۹ بامر السلطان و هی بخط تلمیذه میرک الاصفهانی فی سنة ۹۷۱ مکتوب فیها انه توفی المصنف لها فی ۱۳ ع ۱ سنة ۹۸۴. اقول: نسخة هذه المسائل رايتها عند السید ابوالقاسم الرياضی بخط محمد باقر فی سنة ۱۱۳۱ ثم اقول ان نسبتته الی هلال نسبة الی المجد الاعلی و هو علی بن احمد بن محمد بن هلال المعروف والده باحمد المنشار كما ذکر نسبتته بخطه كذلك فی آخر مفتاح الغرر لفتح الباب الحادی عشر الموجود عند الشیخ حسین القدیحی البحرانی فی نسخة منقولة منه ذکرته فی ص ۱۹۶»^۱.

۱. درباره نسخه‌های موجود کتاب البیان بنگرید به: مصطفی درایتی (به کوشش)، فهرستگان نسخه‌های خطی خطی ایران (فنخا) (تهران، ۱۳۹۱ش)، ج ۶، ص ۲۹۰-۲۹۷ که در این فهرست به نسخه‌ای از کتاب البیان موجود در دانشگاه تهران به شماره ۱۸۰۰- از نسخه‌هایی که مجد الدین نصیری به دانشگاه تهران فروخته - و در توصیف آن گفته شده توسط شیخ علی منشار در روزیک شنبه ۲۸ ربیع الاول ۹۳۱ از کتابت آن فراغت حاصل کرده و بلاغ مقابله و تصحیح با تاریخ روز دوشنبه ۲۶ جمادی الثانی ۹۳۲ نیز بر آن آمده است (بنگرید به: محمد

تمام مطالب مختلف آمده در ذیل سه شرح حال که آقابزرگ به دقت آنها را آورده در متن چاپ شده احیاء الدائر (ص ۱۶۳-۱۶۴) در هم آمیخته شده و سه شرح حال یکی شده و مطلب آمده در پاورقی نیز در اصل در متن بوده است و مطالبی نیز توسط مصحح به شرح حال افزوده شده است.^۱

تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۳۷۲). شیخ اخیر کسی جز علی بن هلال منشار کرکی نیست و در تصحیح جدید کتاب البیان از نسخه اخیر استفاده نشده و حتی اشاره ای به اهمیت آن نیز نشده است. تصویر انجامة نسخه البیان در صفحه ۳۷۱ آمده است. انجامة نسخه چنین است: «...انتهی کلام المصنف تغمده الله بالروح والريحان واسكنه اعلى درجات الجنان بمحمد واله عليهم افضل الصلاة واتم السلام وافق الفراغ من نسخ هذا الكتاب المبارك على يد اضعف العباد على بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن هلال الراجى بعفوريه اللطيف الغفار المعروف والده باحمد المنشار عفى الله عنهم وعن جميع المؤمنين يارب العالمين وذلك ضحوة نهار الاحد من الثانى والعشرين من شهر ربيع الاول سنة احد وثلاثون وتسعمائة هجرية نبوية على مشرفها السلام». در ذیل این عبارت مطلب بسیار مهمی آمده که در فهرست نویسی از آن غفلت شده است، علی بن هلال کرکی در ذیل عبارت انجامة خود اشاره کرد که وی کتاب البیان را در مجلس درس «الشيخ الاعظم.. الشيخ احمد بن خاتون مد الله شأنه فى الدارين..» خوانده است. متأسفانه تصویر نسخه چندان خوانا نیست. در کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشى ضمن مجموعه ۶۷، نسخه ای از کتاب البیان آمده که انجامة آن چنین است: «فرغ من تعليقه العبد الفقير الراجى عفوريه / على بن محمد بن حسن العالمى من قرية حداتا وذلك يوم ثمانية وعشرين من شهر صفر سنة ثمانمائة وثلاث / واربعين هجرية حامداً مصلياً على محمد و آل محمد»، در حاشیه عبارت انجام آمده است: «انها ايده الله قرأة و بحثاً و فهماً و فقه الله و ايانا المراضيه و اعانه و ايانا على اجتناب معصيته و الانزجار عن نواهيه فى عدّة مجالس آخرها يوم الاحد ثمانى عشرين ذى قعدة من شهر سنة سبع و تسعمائة هجرية نبوية على مشرفها الصلوة و السلام و كتب ذلك اقدر عباد الله و احوجهم الى عفوه احمد بن محمد بن محمد بن محمد بن خاتون حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً». تفاوت تاریخ ها نشانگر آن است که کتاب البیان یکی از متون درسی متداول دست کم در حوزه عینا بوده و احمد بن خاتون در تدریس آن تبحر داشته است کما اینکه در حواشی نسخه مطالب درج شده که باید از جمله مطالب بیان شده در ضمن تدریس کتاب باشد. در هر حال دو نسخه اخیر از حیث نشان دادن سنت تدریس در جبل عامل ارزشمند هستند و لازم است تا از این حیث مورد بررسی مجدد قرار گیرند.

۱. آقابزرگ بر اساس مطالب آمده در اجازه علی بن هلال منشار کرکی به ملک محمد اصفهانی، برخی از مشایخ علی بن هلال را در ضمن عالمان قرن دهم معرفی کرده است از جمله احمد بیضاوی نباطی (احیاء الدائر، ص ۹) یا حسن بن جعفر اطراوی (احیاء الدائر، ص ۴۹) که فرد اخیر کسی جز سید حسن بن جعفر کرکی پدر سید حسین بن حسن کرکی مشهور به میر حسین مجتهد نیست و البته آقابزرگ خود از این احتمال نیز سخن گفته و در دو عنوان دیگر شرح حال وی را آورده است (بنگرید به: احیاء الدائر، ص ۴۹-۵۰، ۵۷). آقابزرگ از عالمی به نام حبیب الله نائینی سخن گفته و او را از شاگردان علی بن هلال کرکی معرفی کرده که با توضیحاتی که خود ایشان

نمونه ای دیگر از یکی شدن چند شرح حال، مطالب آمده درباره میرابوالفتح شرفه و میر مخدوم شریفی است. آقابزرگ در اشاره به میرابوالفتح شرفه دو شرح حال آورده و در خصوص وی نوشته است:

«المیرابوالفتح شرفه، قال فی الرياض ص ۶۷۵ الحق انه متحد مع الامیرابی الفتح بن الامیرمخدوم الحسینی القزوینی العربشاهی لکونه تلمیذ عربشاه و کان عالماً فاضلاً و صرح الشیخ عبدالنبی الطسوجی فی رد الرد بان المیرمخدوم سبط الشریف و انه لیس سیداً ولكن الشیخ ابوعلی اقتصر بانه سبطه و فی ج ۲، ص ۶۱۷ من کشف الظنون عند ذکر النواقض قال: میرزا مخدوم بن میر عبدالباقی من ذریة الشریف الجرجانی و توفی حدود (۹۹۵) و التاریخ غلط لانه توفی ولده (۹۷۶)؛ متکلماً ققیماً محدثاً اصولیاً مفسراً من اسباط الشریف الجرجانی مؤلف التفسیر الشاهی و مفتاح الباب و والده المیرزا مخدوم السنی مؤلف نواقض الروافض».

و بلافاصله در شرح حال بعدی از وی بار دیگر این گونه سخن گفته است:

«السید المیرابوالفتح بن المیرزا محمد علی الشهیر بمخدوم الناصب العنید صاحب نواقض الروافض و سبط السید شمس الدین محمد المدعو بمیر سید شریف الحسینی الجرجانی صاحب تفسیر شاهی و المتوفی سنة ۹۷۶ کما فی احسن التواریخ او سنة ۹۷۸ و توفی جده لامه السید الشریف سنة ۸۱۶ وله تصانیف منها حاشیة شرح

درباره علی بن هلال کرکی آورده اند، می دانیم مراد از علی بن هلال، کسی جز علی بن هلال منشار کرکی نیست و تاریخ اجازه ای که از علی بن هلال به نائینی در دست است نیز از نظر زمانی با روزگار حیات علی بن هلال تطابق دارد. بنگرید به: احیاء الدائر، ص ۴۶-۴۷. آقابزرگ شرح حال برخی افراد را بر اساس صورت های مختلفی که در مواضع مختلف دیده در احیاء الدائر ذکر کرده که از جمله این موارد می توان به میر فخرالدین محمد بن حسین حسینی اشاره کرد که آقابزرگ شرح حال وی را به صورت های شرف الدین سماکی (صفحه ۱۰۲-۱۰۳) و فخرالدین محمد الحسینی (صفحه ۱۷۹) و فخرالدین سماکی (صفحه ۱۸۰) آورده است. نمونه ای دیگر از تکرار اسامی، مطالب آمده درباره شیخ محیی الدین میسی است که از وی با دو عنوان محیی الدین احمد بن تاج الدین میسی (احیاء، ص ۱۸) و محیی الدین بن احمد بن تاج الدین میسی (احیاء، ص ۲۴۵) سخن رفته و خود آقابزرگ به تفاوت ذکر نام وی که باعث شده تا ایشان از وی در دو جای کتاب سخن بگویند، اشاره کرده اند. درباره میسی و اطلاعات جدید از جمله اثری احتمالاً منحصر به فرد از وی بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «ملاحظاتی در باب برخی نسخه های خطی»، میراث شهاب، سال بیستم، شماره اول (بهار ۱۳۹۳ش)، شماره ۷۵، ص ۵۱-۵۴.

المطالع القطبية و شرح آداب المناظرة العضدية مع التعرض لما افاده استاده المدقق فى حاشيته عليه و يعنى به غياث الدين منصور الذى توفى سنة ٩٤٨ و كان فى علوم الادب تلميذ عصام الدين محمد بن ابراهيم عربشاه المتوفى سنة ٩٤٣. عن الرياض و عبّر عنه بالاميرابى الفتح بن الميرمخدوم القزوينى العربشاهى وله شرح الباب الحادى عشر و شرح الكبرى لجدّه لامة الموسوم بمفتاح الباب و آخر فارسياً الفه ٩٥٧ و قابل بعض فروع الكافى سنة ٩٦١ و كتب بخطه و النسخة فى الرضوية وله الرد على القوشجى فى بحث تقديم المسند اليه من الايضاح فى البلاغة» (احياء الدائر، برگ ١٦ / ٣٥).

مرحوم منزوى اين دو شرح حال رايکى کرده و مطلبى را نيز که در حاشيه صفحه ١٧٦ احیاء الدائر آورده در حقيقت بخشى از خود متن است که آقاي بزرگ ذکر کرده اند و آنچه که در صفحات ٢٤٥-٢٤٧ آورده اند و خود نيز تصريح کرده اند، تماماً مطالبى است که خود ايشان آورده اند و ظاهراً مورد اخير تنها موردى باشد که مرحوم منزوى به افزودن مطلب در متن تصريح دارد و تمام شرح حال اخير در ذيل مخدوم قزوينى از اضافات ايشان است. در خصوص ميرابوالفتح شرفه عربشاهى البته نظر مرحوم آقاي بزرگ در اينکه وى فرزند ميرمخدوم شريفى (معين الدين اشرف حسيني حسنى) باشد، صحيح نيست و نبود مطالب شرح حال نگارى در خصوص ميرمخدوم در تاريخ مذکور باعث بروز چنين خطايى شده اما اکنون مطالب متعددى به قلم خود ميرمخدوم شريفى در دست است که ترديد هاى اخير را بر طرف مى کند. در حقيقت مطالبى که آقاي بزرگ در ذيل نام معين الدين اشرف حسيني حسنى آورده مربوط به همين ميرمخدوم شريفى (متوفى ٩٩٥) است. آقاي بزرگ (احياء الدائر، ص ٢١-٢٢) در اشاره به فرد اخير نوشته است:

«المير معين الدين أشرف بن السيد شريف الحسنى الحسينى الجرجانى الشيرازى، عمل مجموعة لضبط بعض الفوائد منها ما كتبه بعض العلماء من معاصريه بخطه فى المجموعة و ذكر فى آخره: أنه كتبه بالتماس صاحب المجموعة الأخ الفاضل الورع الصالح معين الدين أشرف الى قوله الشيرازى فى عصر يوم الجمعة عاشر محرم سنة ٩٧٨ و ما ذكر الكاتب اسمه و ما كتبه مقالة فى رد العامة فى قولهم على كثير الدعاية و المجموعة بالمشهد الرضوى من موقوفات الحاج على نوروز على البسطامى. و فى مكتبة الشيخ على كاشف الغطاء الرسالة الأشرفية فى ذم الوساس الشيطانية

لصاحب الترجمة ألفه لشاه طهماسب يقرب من ألف بيت، يظهر من تعبيره عن نفسه
باشرف الشريفى أنه من أحفاد الشريف الجرجاني وتوفى شاه طهماسب سنة
٩٨٤»^١.

٤- تکمیل و تصحیح برخی مطالب

برخی مطالبی که در احیاء الدائر آمده، به دلیل در اختیار قرار گرفتن اطلاعاتی که از زمان
نگارش کتاب تا کنون در اختیار ما قرار گرفته، قابل تکمیل و گاه اصلاح است؛ از این موارد
می توان به مطالبی مهم در خصوص سید حسین بن ابی الحسن موسوی (متوفی ۹۶۳) از
سادات مشهور در روزگار خود به سادات آل ابی الحسن اشاره کرد. دخل و تصرف چندانی در
شرح حال وی توسط مرحوم منزوی صورت نگرفته است. اصل عبارت آقابزرگ درباره وی
چنین است:

«السید حسین بن ابی الحسن کتب الشهد الثانی المتوفی ۹۶۶ له رسالة تقلید المیت
الذی فرغ منه فی ۵ شوال سنة ۹۴۹ و أوله: فاعلم ایها الاخ الوفی والبر التقی، ذکره فی
کشف الحجب. أقول ولعله والد السید نور الدین علی تلمیذ الشهد و وصیه و زوج
ابته و رزق منها السید محمد صاحب المدارک من زوجة الشهد بعد شهادته،
فصاحبی المعالم والمدارک اخواناً أمّاً» (برگ، ۵۳ الف / صفحه ۱۰۴).

آقابزرگ در الذریعة (ج ۴، ص ۳۹۲) نسخه ای از کتاب را دیده و توصیف بیشتری درباره
آن آورده است، اکنون بهتر است به بررسی مطالب آمده در شرح حال اخیر و تکمیل آن بپردازیم.
تاریخ شهادت شهید ثانی، در تمام موارد چه در الذریعه و یا مجلدات مختلف طبقات، ۹۶۶، آمده
که تاریخ مشهور بوده اما اکنون می دانیم که نادرست است و تاریخ دقیق شهادت شهید ثانی،

۱. در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی، نسخه ای به شماره ۲۵۶۰ موجود است که توصیف آن با آنچه که
آقابزرگ در خصوص مجموعه ای که از ایشان آن را از جمله موقوفات مرحوم بسطامی یاد کرده، تطابق دارد.
مجموعه مرکز احیاء در اصل متعلق به سید معین الدین اشرف بن شریف شریفی حسینی جرجانی
شیرازی است که کسی جز میرمخدوم شریفی نیست و نسخه پیشتر در تملک مرحوم محدث ارموی بوده است.
بنگرید به: سید احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی (مجموعه محدث
ارموی) (قم، ۱۳۸۴ ش/ ۱۴۲۶)، ج ۷، ص ۵۳-۵۴. نسخه دقیق معرفی نشده و نیازمند معرفی دقیق تری
می باشد خاصه که اکنون هویت مالک آن را دقیقاً می شناسیم. گفته فهرست نگار محترم که برخی یادداشت ها به
تاریخی پس از حیات مالک آن باز می گردد از جمله تاریخ یادداشتی در ۱۰۵۵ صحیح است.

۸ شعبان ۹۶۵ است که به تفصیل دلایل آن مورد بحث قرار گرفته است. آقابزرگ در تشخیص هویت سید حسین بن ابی الحسن، از آنجا که خود رساله را ندیده با احتیاط وی را سید حسین بن ابی الحسن، پدر سید نورالدین علی بن حسین بن ابی الحسن، داماد شهید ثانی معرفی کرده که البته حدس وی صحیح است. در ادامه مطلب گفته شده که سید نورالدین علی با مادر صاحب معالم ازدواج کرده و صاحب مدارک حاصل این پیوند است. بخشی از مطلب اخیر صحیح است، سید نورالدین علی پس از شهادت زین الدین با همسر سوم او که دختر شیخ محیی الدین بوده، ازدواج کرده و حاصل این ازدواج سید نورالدین علی بن علی بن حسین بن ابی الحسن است. تاریخ تولد صاحب مدارک، ۹۴۹ است و در حقیقت سید علی بن حسین بن ابی الحسن در زمان حیات شهید ثانی با دختری - ظاهراً از همسر اولش که دختر خاله وی و دختر شیخ علی بن عبدالعالی میسی (متوفی ۹۳۸) بوده، اندکی پیش از ۹۴۹ ازدواج کرده است. در صورتی که مرحوم آقابزرگ به تاریخ تولد صاحب مدارک توجه کرده بودند، چنین اشکالی رخ نمی داد. درباره سید حسین بی ابی الحسن اطلاعات خوبی در مشجرات خانوادگی آل شرف الدین که از نسل او هستند، آمده است؛ سید عزالدین حسین بن محمد بن حسین بن علی بن محمد بن ابی الحسن از معاصران شهید ثانی بوده و از حلقه ارادتمندان او. وی در تاریخ ۹۰۶ و در روستای جبع دیده به جهان گشود و نزد پدر شهید ثانی، شیخ نورالدین علی بن احمد بن محمد معروف به ابن حجة تحصیل نموده و پس از درگذشت وی در ۹۲۵ به میس رفت و تحصیلات خود را نزد شیخ علی بن عبدالعالی میسی ادامه داد. در کرک نزد سید حسن بن جعفر کرکی نیز برخی متون فقهی را خوانده است. به درستی دانسته نیست که وی در کجا نزد محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) تحصیل کرده اما با توجه به تاریخ تولد وی در ۹۰۶، به احتمال بسیار سید حسین بن ابی الحسن همانند شمار دیگری از فقیهان عاملی، به عراق مهاجرت کرده و در نجف نزد محقق کرکی به تحصیل فقه پرداخته است. سید حسین بن ابی الحسن با عالم و حکیم نامور ساکن در دمشق یعنی شمس الدین محمد بن علی شامی روابط گرمی داشته و با دختر او ازدواج کرده است که سید نورالدین علی بن حسین بن ابی الحسن حاصل این پیوند است. تاریخ دقیق درگذشت سید حسین بن ابی الحسن شب نهم رجب ۹۶۳ در شهر بعلبک ذکر شده و بدون توضیح بیشتری گفته شده که وی را مسموم کرده اند. جنازه وی را به جبع آورده و پس از آنکه شهید ثانی نماز میت را بروی

اقامه کرد، در همانجا به خاک سپرده شد.^۱ دست خط وی در انجام نسخه ای از ارشاد الاذهان علامه حلی آمده است.

در انجامة ارشاد الاذهان کتابت شده توسط سلمان جبعی، سید حسین بن ابی الحسن اجازه ای به وی با ذکر اجمالی از طریق روایت وی در خصوص کتاب ارشاد الاذهان و دیگر مکتوبات فقهی و اشاره به داشتن اجازه از محقق کرکی داده است. متن اجازه اخیر منحصر به همین نسخه است و در جایی دیگر حتی در بخش اجازات الذریعه به دلیل در دسترس نبودن متن آن سخن نرفته است. در برگ ۱۹۶ الف، سلمان بن محمد جبعی در انجامة خود تاریخ کتابت ارشاد الاذهان را روز سه شنبه هفدهم رجب ۹۳۷ ذکر کرده است (تمت علی ید الفقیر الی الله تعالی سلمان بن محمد بن محمد الجباعی فی یوم الثلاثاء السابع عشر من شهر رجب الاصب من شهور سنة سبع و ثلاثین و تسعمائة هجرية نبوية علی مشرفها السلام و الحمد لله

۱. اطلاعات اخیر باید برگرفته از مشجرات خانوادگی موجود از وی در نزد فرزنداناش (خاندان شرف الدین) باشد و در کتاب بغیة الراغبین به این مطالب اشاره شده است (بنگرید به: بغیة الراغبین (بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۲۷/۲۰۰۶)، ص ۱۲۰، ۱۳۱-۱۳۲. مرحوم سید حسن صدر نیز همین مطالب را به نقل از بغیة الراغبین بدون آنکه مطلب خاصی بدان افزوده باشد در ذیل شرح حال سید حسین بن ابی الحسن آورده است. بنگرید به: السید حسن الصدر، تکملة امل الآمل، تحقیق حسین علی محفوظ، عبدالکریم دباغ و عدنان دباغ (بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۲۹/۲۰۰۸)، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۹). شاید در مشجرات مذکور اطلاع بیشتری درباره علت مسموم کردن سید حسین بن ابی الحسن آمده باشد که به ملاحظاتی از ذکر آنها خودداری شده است. در هر حال اطلاع اخیر برای فهم برخی مشکلات ساهای پایانی زندگی مبارک شهید ثانی اهمیت دارد. سید حسین بن ابی الحسن در جزین و به همراه سید علی صائغ در درس کتاب الروضة البهیة حضور داشته و خود نسخه ای از آن را برای خود کتابت کرده است. کتابتی متاخر از روی مجلد دوم الروضة البهیة که سید حسین بن ابی الحسن کتابت کرده در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۴۸۵۶ موجود است. متأسفانه متن انجامة کتاب آسیب دیده و آنچه که از آن قابل خواندن است، چنین است: «انتهی ما وجدناه بخط مصنفه من مسودته -أدام الله تعالی أيام افادته بمحمد وآله... من عشیرته و كان الفراغ من هذه الميضة يوم السبت... لخمس مضین من شهر شعبان المبارک فی خدمة مصنفه من شهور سنة ثمان و خمسين و تسعمائة من الهجرة النبوية علی مشرفها السلام... العبد الفقیر المعترف بالخطأ و التقصیر حسین بن ابی الحسن الحسینی العاملی». نام وی به خطا حسن عاملی قرائت شده و اهمیت نسخه به همین دلیل مورد غفلت قرار گرفته است. بنگرید به: محمد آصف فکرت، فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (مشهد، ۱۳۶۹ش)، ص ۲۸۸. تصویر انجامة نسخه اخیر در جلد اول الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة به تصحیح فارس تبریزیان الحسون (قم، ۱۳۷۹ش/۱۴۲۱) در بخش تصاویر آمده و متن انجامة نیز در صفحه ۱۲ نقل شده است.

وحده). متن اجازه سید حسین بن ابی الحسن نیز چنین است:

«الحمد لله حمداً كثيراً كما هو اهله ومستحقه والصلوة والتسليم على افضل نبي من خير صميم محمد الفاتح ما يتعلق ابواب الهداية الفائق لمنفتح مصاريع الشرك والغواية، انهاء وفقه الله تعالى لطاعته واعانه واينا على فعل الخير وملازمته قراءة مهذبة وقد اجزت له روايته ورواية باقى كتب المصنف - رحمه الله تعالى - عنى عن شيخى الأجل، الشيخ على بن عبدالعالي الكركى عن مشائخه بطرقه الواصلة الى المصنف - قدس الله سره - وكذا اجزت له رواية كتب الشيخ المشار اليه وما تنسب اليه من الحواشى والتراجيح وكذا باقى الكتب الفقهية المحققة النسبة الى احد من علماء الاصحاب كل واحد بطريقه المثبت فى الاجازة الكبرى التى بخطه - قدس الله سره - فليرو ذلك لمن شاء وأحبَّ محتاطاً فى ذلك، مراعيّاً شروط الرواية المعتمدة عند اهل هذا الفن المقررفى مفادتها وشرطت عليه عدم نسيانى من صالح دعواته وخالص بركاته ونفايس تجلياته حياً وميتاً بالرحم والتوفيق لما يحبه ويرضاه والأخذ بزمان قلوبنا الى ما يحبه ويهواه انه على كل شىء قدير وبالاجابة جدير وهو حسبنا و نعم الوكيل، سطرها افقر العباد حسين بن ابى الحسن عفى الله عنه يوم السبت التاسع من شهر شوال سنة ثلاثين واربعين وتسعمائة هجرية نبوية على مشرفها السلام والحمد لله وحده وصلى الله على محمد وآله».

در حاشيه نيز دست خط مرحوم سيد محمد مشكات در معرفى نسخه آمده است. مرحوم مشكات برخى از نسخه هاى خطى خود را به كتابخانه مجلس فروخته است (تذكر اخيراً مرهون دوست عزيزم آقاى سيد محمد حسين حكيم هستم).^۱

۱. آقابزرگ در ذيل شرح حال سيد نورالدين على بن حسين بن ابى الحسن (ص ۱۶۴-۱۶۵) بار ديگر به اين مطلب كه سيد نورالدين با مادر صاحب معالم پس از شهادت شهيد ثانى ازدواج كرده و صاحب مدارك حاصل اين ازدواج است، اشاره كرده است. اطلاعات آمده در امل الآمل (ج ۱، ص ۶۸) درباره سید حسین بن ابی الحسن ظاهراً صحیح نباشد. شيخ حر در اشاره به سيد حسين بن ابى الحسن نوشته است: «السيد حسين بن ابى الحسن الموسوى العاملى الجبعى .. معاصراً للشهيد الثانى و كان ولده السيد على من تلامذته و كان الشهيد الثانى صهره». ظاهراً عبارت اخير بايد چنین باشد: «و كان ولده السيد على من تلامذته و كان هو صهر الشهيد الثانى». آنچه كه درباره همسران شهيد ثانى مى دانيم اين است كه همسر اول وى دختر شيخ على بن عبدالعالي ميسى - دختر خاله - شهيد بوده و همسر دومش، دختر شيخ محمد حر - پدر بزرگ شيخ حر عاملى - و همسر

از نکات قابل توجه مرحوم آقابزرگ ذکر اجازات به افراد توسط عالمان مختلف بوده و در موارد متعددی وی متن این گونه اجازات را که بر ظهر یا انجام نسخه ای دیده را در ذیل شرح حال افراد آورده است. از این موارد می توان به اجازه ای منحصر به فرد از مولانا کمال الدین عطاء الله بن مسیح بن ابراهیم بن حسن بن کرم الله املى اشاره کرد که در مجموعه ای که وی خود کتابت کرده و به شماره ۸۴۲۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است، اشاره کرد. وی پس از مدتی مصاحبت و شاگردی نزد محقق کرکی ظاهرا در نجف، در رجب ۹۳۱ اجازه ای از محقق کرکی دریافت کرده که متن آن چنین است:

« الحمد لله كما هو أهله، والصلاة على محمد وآله الطاهرين؛ وبعد فان الشيخ الفاضل العارف قدوة الصلحاء مولانا كمال الدين عطاء الله الأملى - أدام الله توفيقه و تسديده وأجزل من عوارفه حظه ومزيده - قد فاز بمجاورة الحرم المقدس الغروي - على مشرفه الصلاة والسلام - مدة طويلة وفي خلال ذلك جمع كثيراً من الفوائد التي جرى بها قلم هذا الفقير على بعض المختصرات الفقهية مع بعض المتون، وقد اجتمع معناني مجالس المباحثة على قانون المباحثة برهة من الزمان وقد تبين على صفحات أحواله اتصافه بالفضائل والكمالات، و صرف كثير من أوقاته في بلوغ

سوم وی، دختر شیخ محیی الدین - به احتمال بسیار شیخ محیی الدین میسی - بوده است. خاندان ابی الحسن در روزگار پسرش و نوادگانش به خاندان نور الدین شهرت یافتند (همچنین بنگرید به: سید حسن صدر، تکملة امل الآمل، ج ۱، ص ۹۳). آنچه که در صفحه ۵۱ در ذیل عنوان سید حسن بن نور الدین علی بن ابی الحسن موسوی آمده در حقیقت درباره سید حسین بن ابی الحسن است که که اجازه ای از شهید ثانی به وی در روایت الروضة الیهیه در اختیار آقابزرگ بوده و بخش موجود آن را نقل کرده است و بر این اساس شرح حال آمده در صفحه ۵۱ و ۶۳ با عنوان حسین بن ابی الحسن هر دو بر یک تن دلالت دارد. در ذیل شرح حال کمال الدین درویش محمد بن حسن عاملی اصفهانی نظنزی جد مادری علامه مجلسی، گفته شده که وی «کان من تلامیذ الشهد الثانی فی بلاده ولما جاء الی اصفهان استجاز من المحقق الکرکی فکتب له اجازة تاریخها ۹۳۹...» (احیاء الدائر، ص ۸۴). ظاهراً این مطلب صحیح نباشد. نخست آنکه تاریخ تولد شهید ثانی ۹۱۱ است و در صورتی که کمال الدین درویش در ایام حیات مبارک شهید ثانی در جبل عامل نیز بوده، شهید ثانی در سالهای مذکور در میس و کرک نوح خود به تحصیل مشغول بوده است. دیگر آنکه در اجازات در دست از مرحوم مجلسی، اشاره ای به اینکه کمال الدین از شهید ثانی اجازه روایت داشته نیامده و تنها از داشتن اجازه توسط کمال الدین درویش از محقق کرکی سخن رفته است و بعید است که کمال الدین شاگرد شهید ثانی بوده یا از او اجازه داشته و مرحوم مجلسی در ذکر این مطلب غفلت کرده باشد. همچنین بنگرید به: سید حسن صدر، تکملة امل الآمل، ج ۱، ص

مراتب السعادات. وقد رخصته بروایة من ينسب الى من ذلك مشروطاً عليه بصحة النسبة وصحة النسخة، فليروه موقفاً و عليه أن يذكرنى بدعواته فى خلال طاعاته و نحث أهل الخير على تكريمه و كمال اعزازه جانبه وفقنا الله جميعاً لما يحب و يرضى. و كتب ذلك العبد الفقير الى الله تعالى على بن عبد العالى حامداً لله مصلياً على رسوله محمد و آله مسلماً فى شهر رجب سنة احدى و ثلاثين و تسعمائة).

فهرست نشدن نسخهٔ اخير که تنها در ساليان اخير فهرست شده، علت اصلى آن است که مرحوم آقابزرگ اطلاعات اخير و نام کامل اين عالم امامى قرن دهم رابه صورتى که در اين مجموعه نيامده در احیاء الدائر نياورد. عبارت مورد تاکيد محقق کرکى که از آملی خواسته تا در روايت آثار او به صحت انتساب و درستی نسخه توجه کند، نیز مطلب قابل تأملی است و نمونه‌ای از توجه قداماء به بحث نسخه شناسی و درستی انتساب آثار^۱ از اجازات ديگرى که

۱. برخی مطالب که آقابزرگ آورده به دليل در دسترس نبودن منبعی که وی گزارش خود را بر اساس آن آورده، همچنان محدود به گزارش اوست و اين مطالب مشتمل بر نکات مهمی نیز هست. به عنوان مثال مطلب آمده در شرح حال عبدالاحد سيرجانی (ص ۱۱۷) مشتمل بر اطلاعات مهمی دربارهٔ شهيد ثانی و حیات اوست که متأسفانه نسخه ای که آقابزرگ دیده تا کنون در فهرست های منتشر شده، ياد نشده و مالکان فعلی نسخه، اطلاعی در خصوص آن منتشر نکرده اند. تحليل مطالب آمده در احیاء الدائر نشان دهندهٔ شهرت و اعتبار فقهی محقق کرکى و شهيد ثانی به عنوان نامورترین فقیهان امامی قرن دهم است که به دلایلی در ادوار بعدی، آثار شهيد ثانی به دليل درسی شدن، اهمیت خود را همچنان حفظ کرد. اطلاعات نسخه شناسانهٔ آقابزرگ از تألیفات محقق کرکى و اجازات او و آثار شهيد ثانی نیز اهمیت خاصی دارند و گاه آقابزرگ نسخهٔ خطی را توصیف کرده که اکنون در دسترس نیست. برخی اغلاط چاپی همچنان در کتاب باقی مانده و در غلط نامه ای که در آخر کتاب نیز آمده از چشم افتاده است که از اين موارد می توان به عبارت آمده در صفحهٔ ۴۲، سطر اول اشاره کرده که در متن یک افتادگی نیز راه یافته و حرف واو از عبارت المبرز فى المعقول و المشارك فى الصدارة افتاده و عبارت فى الصدارة نیز نادرست چاپ شده یا ملکی که باید مکی باشد در شرح حال حسين حرعاملی (صفحهٔ ۶۳) یا شهرت الآملی برای سيد حسين بن حسن کرکى در صفحهٔ ۱۱۸ که العاملى صحيح آن است و شهرت المفتى برای شيخ يحيى بن حسين بن عشيره بجرانى در صفحهٔ ۱۱۹ که المتنى چاپ شده است. يکى، دو مورد خطای ناشی از سبق ذهنی نیز در متن دیده می شود به عنوان مثال در شرح حال محمد باقراسترآبادی (ص ۲۶) گفته شده که وی آثاری را کتابت کرده از جمله تخفيف العباد فى احوال الاجتهاد که نویسندهٔ آن محقق کرکى معرفی شده حال آنکه اثر اخير از شهيد ثانی است کما اینکه آقابزرگ خود در الذريعة (ج ۴، ص ۴) ذیل همین عنوان چنین گفته است یا در صفحهٔ ۶۹ که از شرف الدين حسين عودى و معارضهٔ وی با محقق کرکى در خصوص شیئیت معدوم سخن رفته حال آنکه اصل ماجرا به مناقشهٔ شرف الدين عودى با محقق حلى است (برای مطلب اخير و رسالهٔ وی بنگرید به: سيد حسين مدرسى طباطبائى، «مفاضه ای در مسألهٔ شیئیت معدوم»، همو، کتابیات (مجموعه

متن آن در اختیار شیخ آقابزرگ نبوده، می باید به اجازه نورالدین علی بن احمد عاملی پدر شهید ثانی به نجم الدین بن احمد تراکیشی مشغری در ۹۲۴ اشاره کرد. در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه ای کهن از کتاب شرائع الاسلام محقق حلی کتابت شده در ۷۵۸ موجود است که در اختیار نجم الدین بن احمد تراکیشی بوده و او آن را در جمع نزد نورالدین علی عاملی خوانده و پس از پایان قرائت کتاب در چهاردهم صفر ۹۲۴ اجازه ای درباره روایت کتاب دریافت کرده است (برای این اجازه بنگرید به: رضا مختاری، «تنها اثر بازمانده از پدر شهید ثانی»، جمع پریشان (قم، نشر دانش حوزه، ۱۳۹۰ش، ص ۳۴۳-۳۴۶).^۱

مقالات در زمینه کتاب شناسی (نیوجرسی، ۱۳۸۷ش)، ص ۴۳. برای توصیف دقیقی از مجموعه اخیر که اکنون در کتابخانه بادلیان نگهداری می شود بنگرید به:

Sabine Schmidtke, "The doctrinal views of the Banu I- Awd (early 8th/14th century): an analysis of ms Arab. f. 64 (Bodleian Library, Oxford)", in: Le shi isme imamite quarante ans après. Hommage à Etan Kohlberg, Eds. Mohammad Ali Amir-Moezzi, Meir Bar-Asher, Simon Hopkins (Turnhout: Brepols, 2009), pp. 357-382).

همین گونه به سبق ذهنی در شرح حال جلال الدین تادوانی که مجموعه ای مشتمل بر آثار شهید ثانی را کتابت کرده، نام کتاب کشف الریبه، کشف المحجّه آمده است (ص ۴۰) و عبارت مفید در ادامه غلط چاپی حفید است. درباره برخی از افراد ذکر شده از عالمان این قرن مثل خاندان فتحان قمی که به تفاریق در ضمن عالمان قرن دهم نام برخی از آنها آمده (ص ۵-۶، ۱۵، ۲۳۰) کار جداگانه ای صورت گرفته و اطلاعات از این دست رامی باید در پاورقی چاپ جدید متذکر شد (بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، خاندان فتحان (قم، ۱۳۵۲ش)، که اثر اخیر به همراه تکمله ای در قیامات (مجموعه مقالات درباره قم) از همو (نیوجرسی، ۱۳۸۶ش) نیز در دسترس است). عزالدین محمد بن احمد بن دیلمی نویسنده کتاب قواعد عقاید آل محمد (زنده در ۷۰۷) از عالمان زیدی قرن هشتم به خطا در رجال امامی قرن دهم ذکر شده است (صفحه ۲۳۶-۲۳۷).

۱. اطلاعات پراکنده ای که در سراسر کتاب در خصوص شهید ثانی، شاگردان و آثار وی آمده به دلیل آنکه مبتنی بر مطالب آمده در نسخه های خطی مختلف کتابخانه های خاصه عراق که آقابزرگ خود دیده، بسیار با اهمیت و در مواردی مشتمل بر اطلاعات بکرو تازیه ای است. به عنوان مثال ایشان در ذیل محمود لاهیجی (احیاء، ص ۲۴۱-۲۴۲) از شاگردان مهم اما ناشناخته شهید ثانی علاوه بر گراوری اطلاعاتی درباره او، گزارش متفاوت و صحیح او درباره شهادت شهید ثانی و برخی حوادث سالهای دهه پایانی زندگی او یعنی از ۹۵۶ تا ۹۶۵ چون غارت خانه او در جمع و سرانجام و شهادت شهید ثانی را نقل کرده است. گزارش ملا محمود لاهیجانی با آنچه که در امل الآمل و دیگر کتابهای تراجم نگاری شیعه در خصوص شهادت شهید ثانی آمده، تفاوتی اساسی دارد و اکنون حتی می دانیم که گزارش شیخ حر عاملی درباره شهادت شهید ثانی هر چند مبتنی بر برخی مطالب رخ داده بوده، در کل نادرست است. نکته دیگری که آقابزرگ در شرح حال لاهیجانی آورده، کتابت نسخه ای از

شمس الدین محمد بن مکى شامى یکى از عالمانى است که آقابزرگ مطالبى درباره او به نقل از رساله بغية المرید - که ایشان تصریح دارند رساله اخيرا به واسطه آنچه که از آن در ضمن الدر المنثور نقل شده در اختیار دارند، شرح حال فرد اخيرا آورده و گفته اند که شهید ثانی نزد او در دمشق تحصیل کرده و برخی متون طبى را خوانده است. مرحوم منزوى تصرف اندکى در شرح حال اخير کرده (احیاء، ص ۲۳۴) و عبارت آغاز شده با عبارت «و علق عليه صاحب الرياض» تا «وقد اشتبه الحال على صاحب الامل» افزوده ایشان است و در خصوص تاریخ درگذشت مکى، آقابزرگ ماه درگذشت را نیز جمادى الاولى ذکر کرده که مرحوم منزوى این اطلاع را حذف کرده است. اکنون اطلاعات بیشتری درباره مکى در اختیار داریم. نجم غزى در کتاب الكواكب السائرة در اشاره به او نوشته است:

«محمد ابن مکى شيخ الأطباء؛ محمد ابن مکى الشيخ العلامة شمس الدین الدمشقى الشافعى، شيخ الاطباء بدمشق بل و غيرها. قال ابن طولون: اشتغلت عليه مدة وتلمذ له الافاضل ولم ترعيني امثل منه فى تقرير هذا العلم ولكنه كان قليل الحظ فى العلاج. قال: وكان ينسب الى الرفض ولم اتحقق ذلك وكان يعرف الهیئة و الهندسة و الفلك و بضاعته فى غير ذلك مزجاة. توفى بغتة ليلة الاربعاء تاسع جمادى الآخرة سنة ثمان و ثلاثين و تسعمائة و قد جاوز الثمانين»^۱.

الدروس شهید اول توسط او از روی نسخه اصل بوده که لاهیجانی آن را کتابت کرده است. نسخه اخير در تملک محمد بن حسن اوالى قرار گرفته و او از روی آن برای خود نسخه ای کتابت کرده که تاریخ فراغت از آن عصر پنبه شنبه آخر رمضان ۹۶۲ ذکر شده است که مطلب اخيرا آقابزرگ در ذیل شرح حالى اوالى آورده است (احیاء، ص ۲۰۳). همچنین آقابزرگ (احیاء، ص ۱۳۵) در ضمن شرح حال ملا عبد الله یزدى از نامه شهید ثانی به او سخن گفته و اشاره کرده که نسخه مذکور در کتابخانه آستان قدس رضوى موجود است. متن نامه اخيرا مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۲۶۹ آورده است و نامه اخير در ضمن مجموعه ۴۴۱۰ موجود است.

۱. نجم الدین الغزى، الكواكب السائرة بأعیان المئة العاشرة، تحقیق جبرائیل سلیمان جبور (بیروت: دار الآفاق الجديدة، ۱۹۷۹)، ج ۲، ص ۵۹-۶۰. در بغية الراغبین به نقل از مشجرات خانوادگى آل شرف الدین در اشاره به پیوند سید حسین بن ابى الحسن موسوى با شمس الدین محمد مکى آمده است: «... وقرأ على الشيخ شمس الدین محمد بن على الشامى أحد شیوخ الشهید الثانی، و كان السید قد تزوج کریمه شیخه هذا ابن مکى فولد منها نور الدین على...». بنگرید به: بغية الراغبین (بیروت، دار المورخ العربى، ۱۴۲۷/۲۰۰۶)، ص ۱۳۲. در بغية الراغبین (ص ۱۲۰) در شرح حال سید نور الدین على بن حسین بن ابى الحسن همانگونه که در شرح حال سید حسین ابى الحسن آمده، با ازدواج وی با دختر شمس الدین محمد مکى نیز اشاره شده است. محله شیعه نشین

نسبت تشیع به او که ابن طولون از آن سخن گفته چندان بعید نیست خاصه که می دانیم سید حسین بن ابی الحسن موسوی (متوفی ۹۶۳)، عالم و فقیه نامور شیعی جبل عاملی داماد او بوده و شهرت داشتن مکی به شافعی بودن نیز با سنت متداول تقیه و تظاهر به شافعی بودن در سنت کهن فقیهان شیعی نیز سازگار است.

از دیگر مواردی که دخل و تصرفات فراوانی در آن انجام شده، شرح حال سید نعمت الله حلی است، مرحوم آقا بزرگ در اشاره به او نوشته است: «السید نعمة الله الحلی، حکمی فی الروضات عن بعض إجازات الشيخ احمد الاحسائی ان صاحب الترجمة کان من تلامیذ الشیخ ابراهیم بن سلیمان القطیفی الذی فرغ من تصنیفه نفحات الفوائد فی سنة ۹۴۵ و حکمی فی الریاض ص ۴۵۹ نقلاً عن تاریخ حسن بیگ روملوان الامیر نعمة الله الحلی کان تلمیذ المحقق الکرکی و عدل عنه الی الشیخ ابراهیم القطیفی، فحصلت بینہ و بین الکرکی منافرة، أدت الی تبعید الشاه طهماسب ایاه الی بغداد الی ان توفی بها و کانت بین وفاتیهما عشرة ايام». (احیاء، ص ۳۲۱، برگ ۱۶۷ ب) که این شرح حال را با آنچه در متن چاپی احیاء (ص ۲۶۷) آمده می توان مقایسه کرد که در آن برخی استنباط نادرست مرحوم منزوی را نیز می توان دید.

فرجام سخن

موارد ذکر شده که مهمترین ایرادات بر تصحیح مرحوم منزوی در انتشار کتاب می باشد، لزوم تصحیح مجددی از احیاء الدائر را نشان می دهد کاری که نگارنده در حد بضاعت خود بدان مشغول است.^۱ همچنین اکنون اطلاعات فراوانی درباره اشخاص معرفی شده در جلد های مختلف طبقات اعلام الشیعة، خاصه برخی عالمان معرفی شده در احیاء الدائر در

خراب در شهر دمشق که نامش به یاد بود ویرانه های شام که اسرای کربلاء را در آنجا سکنی داده بودند، خراب بوده است که در قرن اخیر این نام تغییر کرده است.

۱. مرحوم آقا بزرگ برخی منابع را مستقیماً در اختیار نداشته و به واسطه آنها نقل قول کرده است از جمله این منابع، کتاب الاجازات سید حسین بن حیدر کرکی (متوفی ۱۰۴۱) است که آقا بزرگ به متن اخیر دسترسی نداشته و از آن به واسطه نقل هایی که از کتاب الاجازات در مجار الانوار آمده، در جاهای مختلف احیاء الدائر (ص ۵، ۷، ۵۷، ۶۸، ۷۵، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۹) نقل قول کرده است. کتاب الاجازات سید حسین بن حیدر کرکی که تنها در یک نسخه ظاهراً موجود است، به واسطه کتابتی منتخب از آن توسط ابراهیم حرفوشی در اختیار مجلسی بوده است. درباره توصیفی از اجازات سید حسین بن حیدر کرکی بنگرید به: سید محمد حسین حکیم، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۹، بخش ۱ (تهران، ۱۳۹۰ ش)، ص ۵۱۴-۵۳۵.

دست است که گردآوری آنها به صورت پاورقی می تواند در تصحیح و چاپ جدید احیاء الدائر سودمند باشد کما اینکه می توان دست خط های مختلف عالمان معرفی شده که اکنون به لطف فهارس مختلف امکان دسترسی به آنها بسیار آسان است می تواند به کار تکمیل اطلاعات کتاب بیاید و گردآوری آنها به صورت پیوستی برای هر کدام از مجلدات طبقات اعلام الشیعة کاری بسیار مفید است و در مواردی حتی مراجعه به دست خط های عالمان می تواند برخی خطاها در خواندن نام یا شهرت آنها را برطرف کند، به عنوان مثال، آقابزرگ از شاگردان شهید ثانی به شخصی به نام حسین بن مسلم بن حسین بن محمد مشهور به ابن شعر عاملی سخن گفته که نسخه ای کهن از دو کتاب شهید ثانی یعنی منیة المرید و مسکن الفوائد به خط او در اختیار ما قرار دارد (احیاء، ص ۶۷). فرد اخیر کاتب نسخه های خطی دیگری نیز هست که با مراجعه به آنها می توان دریافت که شهرت او ابن سعتر است. همچنین در بسیاری از موارد نسخه های ذکر شده در شرح حال افراد، در فهارس منتشر شده به تفصیل با ذکر جزئیات بیشتری معرفی شده که می توان این موارد را در پاورقی متذکر شد، به عنوان مثال نسخه مسکن الفوائد و منیة المرید مورد اشاره آقابزرگ در ضمن شرح حال ابن سعتر در مجموعه اهدایی سید محمد مشکاة در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (مجموعه مشکاة، شماره ۱۰۱۷) است (منیة المرید، برگ های ۱ب-۵۸الف). مرحوم دانش پژوه در معرفی آن آورده که در برگ های متعددی بلاغ مقابله با عبارت «بلغ سماعاً وفقه الله تعالی» (۷ب، ۱۰ب، ۲۵الف، ۲۹الف، ۳۲الف، ۳۷الف، ۴۳الف) آمده است. در برگ ۵۸الف، بلاغ انهاء کتاب به کاتب آمده است. رساله دوم یعنی مسکن الفوائد (۵۹ب-۷۵ب) تنها مشتمل بر بخشی از مقدمه، اندکی از باب دوم، سوم و چهارم است و باب اول کتاب افتاده است. در برگ ۶۹الف بلاغ مقابله (تم بلغ قراءة وفقه الله تعالی) آمده است (برای معرفی و توصیف بیشتر نسخه بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۳۲ش)، ج ۳، بخش یکم، ص ۶۸۲-۶۸۳، ۶۷۹-۶۸۰). این گونه مطالب به دلیل در برداشتن جزئیات بیشتر لازم است تا در پاورقی به تصحیح جدید کتاب افزوده شود. افزودن تصاویر حتی امکان شناسایی نسخه هایی دیگری که توسط عالمان مذکور کتابت شده را فراهم می کند.^۱

۱. در یک مورد و در شرح حال شریف بن شهاب الدین علی، شهرت وی که در نسخه براساس اختلاف قرائت

استدراکات مختلفی بر کتاب احیاء الدائمی توان افزود که به دلیل در اختیار قرار گرفتن منابع متعددی که پس از نگارش کتاب در دسترس قرار گرفته، اما از آنجا که این دست مطالب فراوان است نیازمند کار گروهی برای سامان دادن آنها می باشد و باید دید که آیا باید آنها را در داخل کتاب به ترتیب الفبائی افزود یا در بخش جداگانه ای در انتها به عنوان پیوست آورد که البته شکل اخیر بهتر است و اصالت کتاب را نیز حفظ خواهد کرد. همین گونه تعلیقات مختلفی در خصوص افرادی که نام آنها در ضمن شرح حالها آمده یا خود افرادی که شرح حال آنها ذکر شده، می توان به کتاب افزود. به عنوان مثال آقابزرگ از شخصی در ذیل شرح حال حاج احمد خزعل (احیاء، ص ۱۲-۱۳)، به نام محمد بن اسماعیل هرقلی نام برده که از شاگردان علامه حلی بوده است. در کتابخانه چستریتی (شماره ۳۸۷۸) نسخه ای از کتاب المراسم العلویة و الاحکام النبویة حمزة بن عبدالعزیز دیلمی مشهور به سلار (متوفی ۴۶۳) موجود است که

رامدی یا زاهدی خوانده شده، ذکر نشده است (احیاء الدائر، ص ۱۰۳-۱۰۴). وی کاتب مجموعه ای در درایه و رجال است که در دانشگاه تهران (مجموعه مشکاة، شماره ۱۰۴۴) موجود و در تصویری که از دست خط وی در انجمنه رجال ابن داود آمده نام او شریف ابن بهاء الدین علی الرامدی الحسنی ذکر شده که اندکی با آنچه مرحوم آقابزرگ آورده اند، تفاوت دارد (برای توصیفی از این مجموعه که بلاغات مقابله و انهاء آن نیز مورد توجه فهرست نگاران قرار گرفته، بنگرید به: علینقی منزوی، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۳۲ ش)، ص ۵۷۳-۵۷۹، ۶۴۰-۶۴۱؛ محمد تقی دانش پیژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۳۵ ش/۱۹۵۶)، جلد سوم، بخش سوم (مجلد پنجم)، ص ۱۶۶۰-۱۶۶۱، ۱۷۵۰-۱۷۵۲). همانگونه که آقابزرگ گفته اند، در پایان وصول الاخیار اجازه ای از حسین بن عبدالصمد آمده که ظاهراً باید خطاب به کاتب یعنی همان شریف بن شهاب الدین علی زاهدی / رامدی باشد. انهاء و بلاغ مقابله در برخی دیگر از اجراء رساله مانند پایان البدایة فی علم الدرایة شهید ثانی به خط حسین بن عبدالصمد برای کاتب آمده است (انها ایده الله و حفظه و ابقاه قراءه و فهماً و ضبطاً فی مجالس آخرها لیلۃ الخمیس منتصف جمادی الآخرة سنة تسع وستین وتسعمائة، احسن الله تقضیها، فقیر رحمة ربه الغنی حسین بن عبدالصمد الحارثی وفقه الله لما یحبه و یرضاه انه جواد کریم). (رساله البدایة براساس همین نسخه و چند نسخه دیگر توسط استاد ارجمند حجت الاسلام والمسلمین سید محمد رضا حسینی جلالی با عنوان البدایة فی علم الدرایة (قم، ۱۴۲۱) منتشر شده است). در پایان وصول الاخیار نیز در عباراتی مشابه حسین بن عبدالصمد در اشاره به کاتب به دست خط خود نوشته است: «انها- ایده الله و حفظه و تولاه- قراءه و فهماً و ضبطاً و تصحیحاً؛ فی مجالس متعددة، آخرها لیلۃ السبت عاشر شهر جمادی الآخرة سنة تسع وستین وتسعمائة من الهجرة النبویة، علی مشرفها السلام. وقد أجزت له -أدام الله توفیقه و سهل الی درک المعالی طریقہ- روايته عنی، فلیروه كما شاء و أحب محتاطاً لى وله، لا زال مسدداً مؤیداً الی یوم الدین. قال ذلك بلسانه ورقه بینانه مؤلفه فقیر رحمة ربه الغنی حسین بن عبدالصمد الحارثی عامله الله تعالی».

محمد بن اسماعیل بن حسین هرقلی در شب چهارشنبه، چهاردهم جمادى الآخرة ۶۷۷ در بغداد از کتابت آن فراغت حاصل کرده (آبروی، ج ۶، ص ۴۵-۴۶)، که ظاهراً با فرد ذکر شده در اینجا یکی باشد. تصویری از نسخه نیز در کتابخانه مرعشی (فهرست کتابهای عکسی، ج ۲، ص ۲۱۹-۲۲۰) موجود است. همین گونه در شرح حال محمد باقر استرآبادی به کتابت آثاری توسط او اشاره شده و اکنون به واسطه فهرس منتشر شده دیگری می توان بر شرح حال وی این مطالب را نیز افزود: به غیر از مجموعه ای که آقابزرگ توصیف کرده، مجموعه ای مشتمل بر هشت رساله به شماره ۴۰۶ در کتابخانه شیخ علی حیدر مؤید در قم موجود است که محمد باقر بن زین العابدین الاشراف الحسینی کتابت کرده است؛ رساله اول مجموعه الحاشیه علی شرح رساله اثبات الواجب القدیمة که با تعلیقاتی بر حاشیه ملا حسین اردبیلی بر اثبات الواجب دوانی است که در ۹۲۶ تألیف کرده و محمد باقر از کتابت آن در ذی الحجه ۹۷۲ فراغت حاصل کرده که نشان می دهد وی دست کم تا این تاریخ نیز در قید حیات بوده است. محمد باقر از کتابت رساله اثبات الواجب القدیمة (رساله چهارم مجموعه) دوانی در ۱۷ رجب ۹۶۶ و در «بلده استرآباد» فراغت حاصل کرده کما اینکه وی از نگارش رساله هفتم مجموعه (رساله فی تحقیق کلمة التوحید، تألیف امیر عبدالوهاب الحسینی که در ۹۰۸ آن را تألیف کرده) در روز جمعه ۲۲ شوال ۹۶۶ در همان بلده استرآباد فراغت حاصل کرده است. رساله های فلسفی مجموعه نشانگر تمایلات فلسفی کاتب یعنی سید محمد باقر اشرف حسینی است (برای توصیف کامل مجموعه بنگرید به: فهرس مخطوطات مکتبة الخطیب الشیخ علی حیدر المؤید الخاصة فی قم المقدسة (بیروت: مؤسسه الهادی للتحقیق والنشر، ۱۴۲۰/۱۹۹۹)، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۲). از معدود دخل و تصرف های مرحوم منزوی، ارجاع در ذیل نام آثار ذکر شده به الذریعه است که کاری لازم و ضروری است چرا که در بسیاری از موارد تفصیل مطلب در الذریعه آمده جز آنکه باید در مقدمه به این مطلب اشاره شود که چنین کاری از سوی محقق صورت گرفته است.^۱ با

۱. مرحوم آقابزرگ از جمله معدود عالمان امامی سده اخیر است که تقریباً تمام میراث مکتوب امامیه تا آنجا که در حد و توان ایشان بوده را از نظر گذرانده است، از این رو نظرات کتابشناسانه وی بسیار مهم است. همچنین آن مرحوم گاه نسخه هایی را دیده اند که اکنون از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. از باب نمونه در ذیل شرح حال حسین بن عبدالصمد، ایشان از مجموعه ای سخن گفته اند که به خط حاج بابا بن میرزا جان قزوینی بوده و بخشی از آن را در سال ۹۸۵ کتابت کرده و توصیفی از محتویات آن آورده اند که مشتمل بر رساله هایی فقهی تألیف شده از حسین بن عبدالصمد بوده است. از جمله رساله هایی ذکر شده ایشان به اثری با عنوان المسح علی

این حال دخل و تصرف های مرحوم منزوی در کتاب، افزودن مطالب متعددی با ذهنیات خاص ایشان و گاه حذف برخی فواید مهم تاریخی از کتاب، به گونه ای است که تصحیح مجدد مجلدات طبقات اعلام الشیعة خاصه مجلدات مربوط به قرن های دهم، یازدهم و دوازدهم بسیار ضروری می باشد.^۱ آنچه که بر مجلدات اخیر طبقات اعلام الشیعة رفته است، مرا به یاد

الرجلین اشاره کرده اند (احیاء الدائر، ص ۶۲-۶۳). در ذیل همین عنوان با کمی تفاوت اندک یعنی مسح الرجلین أو وجوب المسح و تعیینه و عدم جواز غسل الرجلین در کتاب الذریعه (ج ۲۱، ص ۱۷) سخن گفته اند و به همین نسخه اشاره کرده و گفته اند که مجموعه اخیر رانزد مرحوم الحجة شیخ علی قمی (متوفی ۱۳۷۱، که آقابزرگ به تفصیل از وی در طبقات اعلام الشیعة: نقباء البشر فی القرن الرابع عشر (ع-غ)، ص ۱۳۲۳-۱۳۲۹ سخن گفته است) دیده اند و آغاز نسخه ای را حاجی بابا قزوینی کتابت کرده، نقل کرده اند (البته در جاهای مختلف الذریعه در اشاره به مجموعه اخیر گفته شده که مرحوم شیخ علی قمی از روی نسخه ای که توسط حاجی بابا قزوینی کتابت کرده برای خود از آن نسخه ای کتابت کرده است. بنگرید به: الذریعه، ج ۹، بخش ۳، ص ۷۱۶، ج ۱۱، ص ۱۴۶، ۱۵۳، ج ۱۳، ص ۲۷۸-۲۷۹، ج ۱۵، ص ۲۹۰، ج ۱۷، ص ۱۱۶-۱۱۷، ج ۲۱، ص ۱۷). از نسخه مورد بحث در ضمن مجموعه ۲۷۸۷ع (رساله دهم، برگ های ۴۱ پ-۴۳ پ) در کتابخانه ملی نیز نسخه ای هست (بنگرید به: حبیب الله عظیمی، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۵ ش، ج ۱۳، ص ۲۷۲). از رساله اخیر نسخه ای نیز در کتابخانه مجلس با عنوان فی ذم المجتهدین موجود است و کتاب بر اساس آن تحقیق و منتشر شده است. ظاهراً اثر اخیر باید مد نظر استاد ارجمند سید حسین مدرس طباطبائی بر اساس معرفی نسخه با عنوان اخیر در فهرست مجلس بوده که ایشان آن را به عنوان شاهدی بر وجود رگه هایی از جریان اخباری گری پیش از استرآبادی مورد استناد قرار داده اند (همو، مقدمه ای بر فقه شیعه: کلیات و کتابشناسی، ترجمه محمد آصف فکرت (مشهد، ۱۳۶۸ ش)، ص ۵۷-۵۸). بحث از مسح بر رجلین در سنت جدلی شیعه یکی از موضوعات مورد علاقه بوده و آثار مختلفی در سنت فقهی، کلامی جدلی شیعه در این خصوص تألیف شده است. بنگرید به: الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۶-۱۸. از دیگر مواردی که آقابزرگ مطالبی تفصیلی در خصوص برخی نسخه ها را که در الذریعه آورده و بخشی دیگر را در احیاء - که این گونه مطالب هر دو بخش مکمل هم می باشند، لازم است تا در اینجا به آن اشاره کنم، توصیف نسخه ای کهن و مهم از تهذیب الاحکام در الذریعه (ج ۴، ص ۵۰۴-۵۰۵) است که بخشی از مطالب دیگر در توصیف آن نسخه رادر شرح حال ملک محمد سرکانی در احیاء (ص ۲۵۳-۲۵۴) آورده است.

۱. در آثار کتابشناسی که اخیراً در خصوص عالمان امامی منتشر می شود، شرح حال عالمان مذکور به نقل از احیاء الدائر نقل شده است که از باب نمونه می توان به شرح حال شهید ثانی و ابن ابی جمهور احسائی اشاره کرد. متأسفانه در تألیفات اخیر به دلیل در دسترس نبودن نسخه خطی احیاء الدائر مطالب دستبرده شده کتاب احیاء نقل شده است. در شرح حال شهید ثانی، چند افزوده توسط مرحوم منزوی صورت گرفته است؛ نخست گمان ایشان درباره شهرت شهید ثانی به ابن حجه که گاه به صورت ابن حجة نیز نوشته می شود که صورت نگارشی متداول همان ابن حجه است که مرحوم منزوی گمان می کرده اند تعبیر اخیر معرب شده خواهی است و این

حدس خود را در پاورقى و گاه در متن احياء الدائر وارد کرده اند که نظرى نادرست است (برای مواردی که ابن حاجه را همان تعريب خواجه ذکر شده بنگريد به: احياء، ص ۴۴ در پاورقى، ۸۰، ۹۰ در پاورقى، ۱۶۶ در پاورقى). در متن شرح حال نیز دو عبارت بلند افزوده شده است. پس از پایان گفته آقاي بزرگ درباره کتاب بغية المرید (صفحة ۹۱، سطر ۶)، پایان عبارت آقاي بزرگ «من ولادته إلى شهادته» است و عبارت آغاز شده با «بالقسطنطينية ۹۶۶ تا «نقل قطعة من هذه الترجمة فى الدر المنثور» افزوده مرحوم منزوى است. در پایان شرح حال شهيد (صفحة ۹۲، سطر ۷، عبارت آغاز شده با «و أورد الحر شعرة» تا آخر افزوده ديگر مرحوم منزوى است. شرح حال اخير با همين افزوده در کتابشناسى شهيد ثانی منتشر شده است (بنگريد به: الشهيد الثانى زين الدين بن على العاملى فى المصادر العربية (قم: مؤسسة التراث الشيعية، ۲۰۰۹/۱۴۳۰)، ص ۱۷۹-۱۸۰). در شرح حال ابن ابى جمهور احسايى دخل و تصرف های شده و فوائد مهمی از آن نیز حذف شده است. آقاي بزرگ در ذیل شرح حال ابن ابى جمهور احسايى چنین نوشته است: «الشيخ محمد بن زين الدين بن على بن حسام الدين ابراهيم بن حسن بن ابراهيم بن ابي جمهور الاحسايى، صاحب عوالى اللئالى الذى رايت منه النسخة التى فرغ منها الكاتب بحضور المصنف فى سنة ۸۹۹ عند الشيخ شكور فى النجف وله المجلى الذى فرغ منه سنة ۸۹۵ الفه بعد مجيئه من مكة لزيارة أئمة العراق فى المرة الثالثة (۸۹۴) وهو كالشرح لكتابه مسلك الافهام فى علم الكلام وحاشيته الموسوم بالنور المنجى من الظلام فله ثلاثة عناوين.

يروى عن على بن هلال الجزائرى تلميذ ابى العباس احمد بن فهد الحلى و شيخ المحقق الكركى فهو عاصر الكركى لكنه توفى قبل الكركى بكثير و كان فى مكة المعظمة سنة ۸۷۷ و اجازته للشيخ محمد بن صالح الغرورى الحلى تاريخها سنة ۸۹۸ و ممن يروى عنه السيد كمال الدين محسن الرضوى المشهدى والد المير محمد الذى كتب له المحقق الكركى اجازة فى سنة ۹۳۷ و فرغ من تبييض الدر و اللئالى العمادية فى سنة ۹۰۱ احدى و تسعمائة فهم ممن ادرك هذه المائة جزماً و كتبه بخطه اجازة للشيخ على بن قاسم بن عذافة على ظهر القواعد العلامة الموجود فى الرضوية و فيها ايضاً كتابه كاشفة الحال بخط المحقق الكركى.

و طرقه السبعة فى اول العوالى ۱ والده عن ابن نزار - هو القاضى تاج الدين الشهير بابن نزار - عن حسن المطوع عن احمد بن فهد الاحساوى ۲ السيد شمس الدين محمد بن كمال الدين موسى الموسوى عن والده عن فخر الدين احمد السبيعى عن ابن امير الحاج محمود العاملى عن الحسن بن العشرة عن الشيخ الشهيد ۳ حرز الدين الاولى عن احمد بن محمدم الاولى عن احمد بن عبدالله بن المتوج عن فخر المحققين عن العلامة ۴ السيد القاضى شمس الدين محمد بن احمد الموسوى عن كريم الدين يوسف الشهير بابن ابى القطيفى عن رضى الدين حسين الشهير بابن راشد عن احمد بن فهد ۵ الحسن بن عبدالكريم الشهير بالفتال عن الحسن بن الحسين بن مطر عن احمد بن فهد ۶ على بن هلال الجزائرى عن الحسن بن عشرة عن الشيخ الشهيد ۷ وجيه الدين عبدالله بن فتح الله بن عبد الملك بن اسحق بن عبد الملك بن محمد بن محمد بن فتحان الواعظ القمى القاشانى مولد عن جده عبد الملك عن شرف الدين على عن ابيه تاج الدين حسن السرايشنوى عن العلامة الحلى». سوى آنکه فوائد مهمی چون وجود نسخه اى از کتاب كاشفة الحال وى به خط محقق كركى و توجه به سفرهای مختلف ابن ابى جمهور، در ميانة شرح حال منتشر شده در احياء الدائر، صفحه ۲۱۴، سطر ۳ از عبارت «و جمع فيه الكلام» تا آخر عبارت «و لم يتمكن المتوكل من احيائه» از اضافات مرحوم منزوى و طرز تلقى خاص ايشان از تشيع است و هيچ

برخی سنت های کهن در میان محدثان سده های گذشته انداخت. در سنت محدثان و رجالیان برجسته سده های گذشته، اهمیت سماع و دقت نظرهایی که در خصوص این مسئله داشتند و برخی سنت های عملی متداول در میان آنها و اصرار مؤلفان بر انتشار آثارشان به واسطه سماع و گاه برخی وصیت هایی عجیب نویسنده های سده های میانه در سوزاندن نسخه های اصل آثارشان مرا به شگفتی می انداخت. به عنوان مثال خطیب بغدادی در شرح حال محدث برجسته امامی ابن جعابی و وصیت او در خصوص نسخه های اصل کتابش، به نقل از ابوالقاسم ازهری که خود شاهد مراسم تشیع جنازه ابن جعابی و ظاهراً اجرای وصیت نامه اش در خصوص نسخه های اصل کتابهایش بوده، نوشته است:

«...وكان أوصى بأن تحرق كتبه، فأحرق جميعها وأحرق معها كتب للناس كانت

ارتباطی با مرحوم آقابزرگ ندارد. به دلیل در دسترس نبودن نسخه و مینا قرار دادن متن چاپی احیاء، شرح حال ابن ابی جمهور در کتابشناسی که اخیراً در خصوص او منتشر شده بر اساس متن مغلوط و دستبرده مرحوم منزوی آمده است. بنگرید به: ابن ابی جمهور الأحسانی فی کتب التراجم والمصادر: کشف بیلوگرافی لما کتب عن ابن ابی جمهور الأحسانی، إعدداد مؤسسة التراث الشیعة (بیروت، ۱۴۳۵/۲۰۱۴)، ص ۳۲۴. اضافات اندکی در حد یک سطر یا یک کلمه اما گاه مهم و مغایر با اندیشه های آقابزرگ در سراسر احیاء الدائر دیده می شود، به عنوان مثال صفحه ۴۹ در شرح حال حسن استرآبادی، عبارت پایانی شرح حال وی یعنی «وراجع للبحث» تا آخر؛ سطر آخر در شرح حال ملا حسین کاشفی، صفحه ۷۰ از عبارت «ومن الغریب»؛ سطر آخر شرح حال محقق کرکی، صفحه ۱۶۱ از عبارت «وجاء فی عالم آرا» تا آخر؛ شرح حال فاضل الدین محمد بن اسحاق هموی و سطر آخر آن، صفحه ۱۷۴ (از عبارت راجع للصرع فی شأن ابن مسلم ..) و افزودن کلمه «تعسفاً» در شرح حال علی قلی متولی مقابر صفویان در اردبیل در تطبیق برخی احادیث بر ظهور صفویه به عنوان استدراک بر تفسیر سوره روم عبدالاحد سیرجانی (صفحه ۱۶۰) از نمونه هایی است که در سراسر کتاب می توان موارد متعددی از آن را برشمرد که شامل حذف عناوین افراد و حتی تغییر در شیوه نام بردن آقابزرگ از افراد مختلف است. از دیگر شرح حال هایی که مرحوم منزوی در آن دخل و تصرف کرده اند، باید به شرح حال میرمخدوم شریفی معین الدین اشرف حسینی حسینی اشاره کرده که البته به دلیل نبود اطلاعات چندانی آقابزرگ شرح حال وی را به دو شکل مختلف آورده است. نخست در صفحه ۲۱-۲۲ نام وی را بر اساس مجموعه ای که تحت تملک او بوده و در آخر آن شخصی که مطلبی را به خواهش میرمخدوم نوشته او را چنین معرفی کرده: «أنه کتبه بالتماس صاحب المجموعة الأخ الفاضل الورع الصالح معین الدین أشرف... الشیرازی فی عصر یوم الجمعة عاشر محرم ۹۷۸» (مجموعه اخیر ظاهراً باید همان مجموعه به شماره ۲۵۶۰ موجود در مرکز احیاء میراث اسلامی ایران باشد) و بار دیگر در ذیل مخدوم قزوینی که البته آقابزرگ در اصل نام او را به شکل دیگری آورده است. در شرح حال اخیر دخل و تصرف های فراوانی توسط مرحوم منزوی در آن آمده است (احیاء الدائر، ص ۲۴۵-۲۴۶).

عنده...»^۱.

چنين دقت نظر ها و ملاحظاتى بايد ريشه در ستنى كهنترو رسمى متداول در ميان ديگر محدثان، خاصه كسانى كه تآليفات نشر نيافته بر اساس اصول متداول يعنى سماع داشته اند و بيم از دست بردن افراد در نوشته هاى اصل پس از مرگ نويسنده و ادعاى در اختيار داشتن تحريه هاى كاملتر از آثار باشد، مصيبتى كه متأسفانه در خصوص طبقات اعلام الشيعة، شيخ بزرگوار ما رخ داده است، جز آنكه اكنون بايد در هر حال سپاسگزار مصحح مرحوم بود كه اصل آثار را حفظ کرده و آنها را به كتابخانه مجلس سپرده است.

۱. احمد بن على خطيب بغدادى، تاريخ مدينة السلام، تحقيق بشار عواد معروف (بيروت: دار الغرب الاسلامى، ۲۰۰۱/۱۴۲۲)، ج ۴، ص ۴۸. در خصوص تداول چنين رسمى در ميان محدثان برجسته در كتاب العلل احمد بن حنبل به موردى برخوردم كه در شرح حال محدثانى به نام عبيدة آمده است كه: «... أن عبيدة أوصى أن تحرق كتبه أو تحيى». بنگريد به: احمد بن حنبل، كتاب العلل و معرفة الرجال، تحقيق وصى الله بن محمد عباس (رياض، ۱۹۸۸/۱۴۰۸)، ج ۱، ص ۲۱۵. سفیان ثورى در هنگام مرگ وصيت کرده بود تا عمار بن سيف كتابهاى او را بسوزاند (بنگريد به: ابن ابى حاتم رازى، مقدمة المعرفة لكتاب الجرح والتعديل (بيروت، ۱۹۵۲/۱۳۷۱)، ج ۱، ص ۱۱۵-۱۱۶) (أوصى سفیان إلى عمار بن سيف فى كتبه، فقال: ما كان مجبر، فاعسله و ما كان بأنفس فاحمه. قال: فسخرنا الماء و استعان بنا. قال: فاخرج كتبا كثيرة. قال: فجعلنا غحوها و نغسلها). ابن قتيبة، ص ۴۹۸). رسمى كه در ميان محدثان عراق رواج و هنگامى كه احساس مرگ مى کرده اند، به چنين كارى مبادرت مى ورزيده اند. خطيب بغدادى (تاريخ مدينة السلام، ج ۱۰، ص ۲۲۹) گزارش ديگرى درباره از بين بردن كتابها توسط سفیان در زمانى ديگر آورده است. به نوشته خطيب (همانجا) بغدادى يك بار كه سفیان بر جاننش بيمناك بوده، آثارش را از ميان برده بود، ظاهراً رسم مذکور برای جلوگیری از دست بردن در نسخه هاى به خط مؤلف بوده باشد. بى توجه به چرایی چنين رسمى، مرحوم شوشترى در ذيل شرح حال ابن جعابى در بيان علت وصيت ابن جعابى نوشته اند: «... و أقول: و الظاهر أنه لما كان محتطاً بالعامّة و أكثر من أحاديثهم الباطلة امر بأحراقها...». همو، قاموس الرجال (قم، ۱۴۳۰)، ج ۹، ص ۴۹۱ و همين گونه مرحوم سيد محسن امين در اعيان الشيعة، بحثى درباره علت سوزاندن كتابهاى ابن جعابى آورده و در توضيحى علت آن را چنين بيان کرده اند: «... لم يكن الداعى له إلى احراق كتبه عند موته الا امر عقلايى و يغلب على الظن أن الداعى له إلى ذلك وجود روايات فيها عمن لا يرتضى طريقتهم و أن المحرق بعضها لا كلها والله اعلم». همو، اعيان الشيعة، تحقيق حسن الامين (بيروت، ۱۹۸۳/۱۴۰۳)، ج ۱۰، ص ۳۰.

پیوست

در سراسر احیاء الدائر حضور پررنگ دو فقیه امامی مهم قرن دهم یعنی محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) و شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) احساس می شود و در حقیقت بیشتر عالمان امامی قرن دهم به گونه ای بایکی از دو فقیه ذکر شده، مرتبط هستند. در اینجا از برخی نکات در خصوص شاگردان و وابستگان به شهید ثانی و اهمیت نسخه شناسانه آثار وی که به تفاریق در احیاء الدائر مورد توجه قرار گرفته، سخن خواهم گفت. پیش از ورود به بحث لازم است که اشاره کنم، تاریخ شهادت شهید ثانی در سراسر احیاء الدائر و الذریعة، ۹۶۶ آمده که بادر دست داشتن شواهدی از شاهدان عینی شهادت شهید ثانی می دانیم که وی در هشت شعبان ۹۶۵ در استانبول به شهادت رسیده است. در سنت تراجم نگاری زمانی که اطلاعات چندانی در خصوص اشخاص در دست نیست، سنت متداول تراجم نگاران آن است که نام افراد را به همان شکل آمده در منابع ثبت می کنند و در صورتی که درباره هویت احتمالی او خاصه زمانی که فرد به کنیه معرفی شده باشد، بیان می کنند. نمونه ای از افراد، شخصی به نام سید نورالدین علی بن سید فخرالدین هاشمی است که مرحوم آقابزرگ در احیاء الدائر (ص ۱۶۸) در خصوص او سخن گفته و اشاره نموده که صاحب روضات، احتمال داده که فرد اخیر همان سید نورالدین علی بن حسین بن محمد بن محمد مشهور به ابن صائغ باشد، احتمالی که آقابزرگ آن را منتفی دانسته است. خوشبختانه ابن العودی در بغیة المرید و در فصل مربوط به شاگردان شهید ثانی از فرد اخیر سخن گفته و در اشاره به او نوشته است: «و منهم السيد الجلیل الکبیر المعظم، خلاصة الأخیار، وعمدة الأبرار، وزین الأفاضل، وعمدة الأوان، ونادرة الزمان، صاحب الشیم المرضیة والأخلاق السنیة، السيد نورالدین والدین ابن المرحوم السيد فخر الدین بن عبد الحمید الکرکی، القاطن بدمشق الآن - ادام الله أيامه وأعلى الله مقامه - وأنه من أكابر خاصته وأوائل العاکفین علی ملازمته، قرأ علیه جملة من العلوم الفقہیة و غیرها وأخذ عنه وأجازه وکان له قدس سره علیه مزید اعتماد و محکم استناد». (الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۲). این مطلب که وی شخصی جز ابن صائغ حسینی و یا حتی سید نورالدین علی بن حسین بن ابی الحسن موسوی حسینی می باشد، با این مطلب قابل اثبات است که هر دو فرد اخیر جداگانه و در ضمن دیگر شاگردان شهید ثانی نام برده شده و در خصوص آنها توسط ابن

العودى مطالبى آمده است. همین گونه آقابزرگ در ذیل شرح حال سید علی صائغ به تفصیل از او سخن گفته و بار دیگر به این نکته که وی کسی جز سید نورالدین بن فخرالدین هاشمی می باشد، اشاره کرده است و مطالبی در خصوص سید علی صائغ نقل کرده است از جمله اشاره به اینکه وی اثری به نام مجمع البیان فی شرح ارشاد الازهان دارد که در ۹۷۹ از تألیف آن فراغت حاصل کرده و به نسخه ای از جلد اول الروضة البهية شهید ثانی که ابن صائغ خود کتابت کرده و نزد شهید خوانده و شهید ثانی انهایی دال بر قرائت نسخه نزد وی بر حاشیة نسخه ای نوشته و برخی توصیفات دیگر از آن نسخه را آورده است (احیاء الدائر، ص ۱۵۵-۱۵۷). درباره سید علی صائغ مرحوم سید محسن امین در چندین جای اعیان الشیعة سخن گفته و به وجود قبر او در روستای صدیق نزدیک تبنین اشاره کرده است و تاریخ درگذشت را بر اساس سنگ قبرش، ۹۸۰ ذکر کرده است («المدفون بقرية صدیق قرب تبنین») (اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۸۱، ج ۵، ص ۹۶؛ «وقبر السید علی الصائغ فی قرية صدیق فی وسط مزرع قد اخنی علیه الدهر و خیم علیه الهجران و النسیان») (اعیان، ج ۷، ص ۱۴۵ و نیز ج ۹، ص ۲۳۴). مرحوم آقابزرگ (احیاء، ص ۱۵۶) انهاء شهید ثانی بر حاشیة الروضة البهية را نقل کرده است (أنها أحسن الله تعالی توفیقه و تأییده، و أجزل من كل عارفة حظه و مزیده قراءه و سماعاً و فهماً و استسراحاً و تحقیقاً فی مجالس آخرها یوم الأحد لثلاثة خلت من شهر جمادى الأولى، عام ثمانی و خمسين و تسعمائة. و كتب العبد الفقیر الی الله تعالی زین الدین بن علی بن أحمد حامداً مصلياً مسلماً). انجامة نسخه آخر نیز با اهمیت است که ابتدا متن آن را آورده و سپس در خصوص اهمیت آن توضیح خواهم داد. ابن صائغ در انجامة نوشته است: «وكان الفراغ من نسخه ليلة الأحد، قبيل الصبح بقليل، وهى ليلة الخامس عشر من صفر ختم بالخير و الظفر بحق (?) محمد وآله وهى سنة ثمان و خمسين و تسعمائة بخدمة مصنفه - أطال الله بقاه و أعلى بهاه و مدد فی عمره و أدام سعده و أهلك عدوه عن احیاء منهم و اجامر منهم و كشف الكرب عن شیعتهم، إنه على كل شیء قدیر، و الحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد و آله».

عبارت اخیر از جهاتی اهمیت دارد. در اواخر ۹۵۴ شهید ثانی تدریس در مدرسه نوریه شهر بعلبک را رها کرد و در اوایل سال ۹۵۵ به زادگاهش جبع بازگشت (الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۸۲) و تا صفر ۹۵۶ در همانجا به تألیف و تدریس مشغول بوده است. دقیقاً دانسته نیست اما

زین الدین مجبور شده بود تا در صفر ۹۵۶ از خانه اش فرار کند و ابن العودی آورده که زین الدین در شب دوشنبه یازدهم صفر ۹۵۶ در خانه اش در جزین حضور داشته و علت آن فرار از دست دشمنانش ذکر کرده است. متأسفانه در این خصوص اطلاع روشنی نیست اما شاید ارتباطی با تدریس زین الدین در بعلبک داشته باشد و متولیان مدرسه با شناخت هویت اصلی زین الدین در صدد آزار و اذیت او بوده باشند. در هر حال ظاهراً زین الدین تا مدتی نتوانسته به خانه اش در جبع بازگردد و مدتی را در جزین بسر برده و در آنجا و در حلقه ای از شاگردانش چون ابن العودی و ابن صائغ و کسان دیگری به تألیف مشغول بوده است. به احتمال بسیار زین الدین که در تاریخ اول ماه ربیع الاول ۹۵۶ نگارش کتاب الروضة البهیة را آغاز کرده، هنوز در زادگاهش جبع اقامت داشته و چند ماه بعد یعنی در صفر ۹۵۶ مجبور به ترک آنجا و پناه بردن به جزین شده و در همانجا و شب بیست و یکم جمادی الاولی ۹۵۷ نگارش کتاب را پایان برده باشد (برای تاریخ دقیق آغاز و پایان تألیف الروضة البهیة بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۶۹-۳۷۰). اندکی پس از نگارش آن، ابن صائغ و سید حسین بن ابی الحسن که در جزین اقامت داشتند، هر کدام نسخه ای از کتاب الروضة البهیة را کتابت کرده و نزد زین الدین خوانده اند. در حقیقت ابن صائغ در عبارت انجامه به مشکلات زین الدین اشاره دارد و جملات دعایی او به همین مطلب بازمی گردد. مجلد دوم الروضة البهیة تا کنون در فهراس معرفی نشده اما می دانیم که ابن صائغ مجلد دوم را نیز کتابت کرده و شهید ثانی در انتهای آن به وی اجازه روایت کتاب را داده است. نسخه مجلد اخیر در اختیار شیخ محمد بن حسن بن زین الدین بوده و متن اجازه به واسطه او در دست است اما از سرنوشت بعدی نسخه خبری نداریم. تاریخ اجازه اخیر روز پنج شنبه، پایان جمادی الاولی ۹۵۸ ذکر شده است (بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۳۹-۱۴۲). سید حسین بن ابی الحسن نیز در جزین پس از آنکه نسخه ای برای خود از کتاب الروضة البهیة کتابت کرده، مفتخر به دریافت اجازه از زین الدین شده و آقابزرگ (احیاء، ص ۵۱) بخشی از اجازه ای که زین الدین به سید حسین بن ابی الحسن داده را دیده و نقل کرده است. متأسفانه اجازه اخیر ناقص است و تاریخ ندارد اما به احتمال بسیار باید تاریخی نزدیک به همان زمانی که ابن صائغ ذکر کرده، بازگردد، مطلبی که در انجامه نسخه ۱۴۸۵۶ مجلد دوم الروضة البهیة که از روی نسخه سید حسین بن ابی الحسن موسوی حسینی کتابت شده، به تصریح ذکر شده و تاریخ قرائت کتاب نزد زین الدین

چنین آمده است: «انتهی ما وجدناه بخط مصنفه من مسودته - أدام الله تعالى أيام إفادته ... و كان الفراغ من هذه الميضة يوم السبت ... لخمس مضمين من شهر شعبان المبارك فى خدمة مصنفه من شهور سنة ثمان و خمسين و تسعمائة .. العبد الفقير المعترف بالخطأ و التقصير حسين ابن أبى الحسن الحسينى العاملى». احتمالاً پس از تاریخ اخیر که سید حسین بن ابى الحسن از کتابت نسخه از روى نسخه اصل زين الدين فراغت حاصل کرده، همچون ابن صائغ به خواندن متن نزد زين الدين مشغول شده و اجازه ای دال بر روایت آن دریافت کرده باشد. آقابزرگ در نجف نسخه ای از کتاب الروضة البهية دیده که اجازه ای از زين الدين به سید حسین بن ابى الحسن موسوی بر آن موجود بوده جز آنکه متن آن ناقص بوده و اجازه اخیر باید به همین دوران بازگردد و باید امیدوار بود که بتوان در میان نسخه های مختلف موجود از کتاب الروضة البهية متن کامل اجازه اخیر را یافت.^۱ متأسفانه اطلاعاتی از این دست به شکل

۱. در میان نسخه های فراوان فهرست شده از کتاب الروضة البهية (بنگرید به: مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۷، ص ۴۶-۱۳۶) و بر اساس اطلاعاتی که در فهرس منتشر شده آمده، از نسخه کتاب که ابن صائغ کتابت کرده تنها مجلد اول در کتابخانه مجلس (به شماره ۴۸۸۶) موجود است. از نسخه کتابت شده توسط سید حسین بن ابى الحسن موسوی که به خطا نام وی در اکثر موارد سید حسن بن ابى الحسن موسوی آمده، ظاهراً نسخه اصل در دست نباشد اما شماری از نسخه ها که از روى آن کتابت شده در دست است از جمله؛ وزیری یزد (۲۹۰۷)، با تاریخ کتابت شعبان ۹۵۸؛ مدرسه آیت الله بروجردی کرمانشاه (شماره ۱۳؛ شنبه ۵ شعبان ۹۵۸)؛ مشهد (۱۴۸۵۶؛ شنبه ۵ شعبان ۹۵۸)؛ تهران (۶۶۷۹)؛ که دارای اتمام قرائت نسخه نزد شهید ثانی نیز هست)؛ عمومی اصفهان (شماره ۲۹۹۸) که ظاهراً همین نسخه کتابت شده توسط سید حسین بن ابى الحسن باشد که اجازه روایت کتاب به وی در آن موجود است اما ظاهراً نام مجاز - سید حسین بن ابى الحسن - در آن ذکر نشده است)؛ دزفول (کتابخانه شخصی سید محمد نبوی)؛ رشت (جمیعت نشر فرهنگ، شماره ۱۰۱) (بنگرید به: درایتی، فهرستگان، ج ۱۷، ص ۴۹، ۵۱، ۶۹، ۸۶). نسخه اصل کتابت شده توسط زين الدين نیز به شماره ۷۰۹ در کتابخانه دانشگاه تهران (مجموعه مشکاة) موجود است که اساس کتابت بسیاری از نسخه های الروضة البهية به واسطه کتابت های متاخر از آن بوده است. در کتابخانه غرب همدان (شماره ۱۹۶۸) نسخه ای از الروضة البهية موجود است که تاریخ فراغت از کتابت آن چهارشنبه ۶ رجب ۹۵۹ ذکر شده و کاتب آن ملا محمود بن محمد بن علی بن حمزه لاهیجانی، شاگرد برجسته زين الدين است. در میان نسخه های دیگر دو دست نسخه که توسط فضل الله بن محمد بن صقر عراقی نجفی کعبی که خود شاگرد شهید ثانی بوده، (سه شنبه ۴ ربیع الثانی ۹۶۵) کتابت شده و جلد دوم به کتابت ناصر الدين بن جمال الدين بن سید ناصر الدين حسینی علوی (چهارشنبه ۲۰ ربیع الاول ۹۵۹) اهمیت فراوانی دارند. بنگرید به: مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) (تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱ش)، ج ۱۷، ص ۶۳-۶۴.

دقیقی در فهرست نویسی‌ها منعکس نشده است، به عنوان مثال در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی اصفهان، تألیف آقای جواد مقصود همدانی (تهران، ۱۳۴۹ش)، ج ۱، ص ۲۴۷ از نسخه‌ای به شماره ۲۹۹۸ از کتاب الروضة البهية سخن رفته که در قرن دهم کتابت شده و گفته شده که در آخر کتاب صورتی اجازه روایتی شهید ثانی جهت کسی نوشته شده اما نه تصویری از این اجازه آمده و نه آغازی نقل شده که احتمال دارد، اجازه اخیر همان اجازه شهید ثانی به سید حسین بن ابی الحسن باشد که تنها با مراجعه به نسخه و سنجیدن آن با بخشی از اجازه که آقابزرگ نقل کرده، می‌توان به نتیجه‌ای در این خصوص رسید. همین گونه نسخه ۶۶۷۹ الروضة البهية در دانشگاه تهران که از روی نسخه سید حسین بن ابی الحسن عاملی که کتابت نسخه را در ۵ شعبان ۹۵۸ نزد زین الدین به پایان رسانده، کتابت شده، نسخه‌ای دیگر است که ظاهراً اجازه شهید ثانی به سید حسین بن ابی الحسن عاملی در آن درج شده باشد. مرحوم دانش پژوه در توصیف انهاءها آمده بر نسخه نوشته است: «... با تاریخ تألیف روز سه شنبه ۶ ج ۹۵۶/۲ و نقل اجازه انهاء او مورخ یکشنبه ۴ ج ۹۵۸/۱ که در نسخه‌ای خوانده شده بر او بوده (در آخر نیمه نخستین در هر دو) و با تاریخ تألیف ۲۱ ج ۹۵۷/۱ در پایان...» (بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۵۷ش)، ج ۱۶، ص ۳۳۱).

مرحوم آقابزرگ در شرح حال شهید ثانی (احیاء، ص ۹۲)، از دو اثر به نام‌های جواب المباحث النجفیه و مسائل التلمیذ یاد کرده و احتمال داده که دو اثر اشاره به دو عنوان مختلف داشته باشند. آقابزرگ در الذریعة (ج ۵، ص ۲۳۹) بر اساس کتاب امل الآمل، از جوابات المسائل النجفیه را به عنوان تألیفی از شهید ثانی یاد کرده اما ظاهراً خود نسخه‌ای که دارای چنین عنوانی باشد راندریده‌اند و در ذیل عنوان مذکور در الذریعة اشاره‌ای به اینکه نسخه‌ای با این نام دیده باشند، نکرده‌اند. به واقع در موارد متعددی آقابزرگ برخی عناوین آمده در الذریعة را بر اساس آنچه که در کتابهای شرح حال یا در کتابشناسی‌ها ذکر کرده‌اند، در مواردی برخی از این دست آثار با عنوان‌هایی دیگری در دست است که گاه آقابزرگ در ذیل آنها به یکی بودن عنوان‌های مورد بحث اشاره کرده است. در هر حال یکی از دلایل تکرار عناوین در کتاب الذریعة تکیه آقابزرگ بر اطلاعات آمده در فهرس و یا حتی عناوین مختلف ذکر شده آثار در نسخه‌هایی خطی بوده که خود دیده‌اند. جوابات المسائل النجفیه، ظاهراً همانگونه که

آقابزرگ خود نیز اشاره کرده‌اند، ظاهراً همان مسائل التلمیذ باشد که ایشان در الذریعه (ج ۲، ص ۳۴۱) از آن سخن گفته‌اند که مشتمل بر پرسش و پاسخ‌هایی بوده که یکی از شاگردان شهید ثانی از وی در نجف و جبل عامل پرسیده است (الاول ما سمعه عن الشهيد فى جبل عامل والثانى ما سمعه عنه فى النجف عند قدوم الشهيد اليها راجعاً من استانبول). توصیف اخیر دلالت دارد که فرد تدوین‌گر این مسائل در جبل عامل نزد شهید شاگردی می‌کرده و پس از مدتی به زادگاه خود یعنی نجف بازگشته و بار دیگر شهید را هنگام بازگشت از سفرش به استانبول در ۹۵۳ ملاقات کرده و پرسش‌هایی دیگر را از او پرسیده و تدوین کرده است. آقابزرگ، آغاز نسخه‌ای را که خود دیده نقل کرده و اشاره نموده که نسخه در کتابخانه مدرسه آیت الله بروجردی است و شخصی به نام محمد بن ناصر از کتابت آن در نهم جمادى الثانی ۱۰۸۴ فراغت حاصل کرده و در نسخه اخیر نامی مشخص برای کتاب ذکر نشده و هویت شخصی که از شهید پرسش نموده و کتاب را تدوین کرده نیز ذکر نشده و عنوان مسائل التلمیذ نیز نامی است که آقابزرگ بر اساس محتوی رساله خود بر آن نهاده و احتمال داده‌اند که فرد پرسش‌گر از شهید ثانی شیخ احمد مازحی باشد. از رساله اخیر، نسخه‌ای دیگر در کتابخانه آستان قدس رضوی در دست است که به شماره ۷۲۴۵ در آن کتابخانه موجود است. رساله اخیر در ضمن رسائل شهید الثانی، ج ۲، ص ۱۱۸۹-۱۲۴۷ با عنوان الرسالة المجموعة فى الفوائد المسموعة به چاپ رسیده است و در انجامه آن کاتب به نام شخصی که کتاب به تدوین اوست، اشاره کرده یعنی شیخ فضل الله بن محمد کعبی و تاریخ نگارش کتاب نیز روز عید قربان سال ۹۵۸ ذکر شده است. درباره شخص اخیر یعنی فضل الله بن محمد کعبی که نام کاملش فضل الله بن محمد بن صقر عراقی نجفی کعبی است اطلاع چندانی در دست نیست جز آنکه برخی از آثار شهید ثانی چون بخشی از مسالک و الروضة البهیة به خط وی رادر اختیار داریم و خود وی نیز از جمله کسانی که باید نامش را در فهرست مستدرکات رجال قرن دهم به احیاء افزود.^۱

۱. کتاب مسالک در هفت جلد توسط شهید ثانی تألیف شده است. در کتابخانه دانشگاه تهران (مجموعه مشکاة، ۷۶۲) نسخه‌ای مشتمل بر جلد اول کتاب (از میانه طهارت تا میانه بیع) در دست است که بخشی از دوره‌ای ظاهراً کامل از کتاب بوده است. فضل الله بن محمد بن صقر الکعبی العراقی النجفی در روز دوشنبه چهارم ربیع الثانی ۹۵۶ از کتابت آن فراغت حاصل کرده است. زین الدین جلد اول کتاب را در روز چهارشنبه بیست و سوم جمادى الاولى ۹۵۵ تألیف کرده است. در برگ ۱۹۸ ب (پایان عبادات) چنین عبارتی دال بر مقابله نسخه

در میان شاگردان شهید ثانی، حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی (متوفی ۹۸۴)، شخصیت بسیار مهم و برجسته ای است که شهرت روزافزونی نیز به واسطه فرزند نامورش شیخ بهایی (متوفی ۱۰۳۰) دارد. آقابزرگ در احیاء (ص ۶۲-۶۳) بخشی درباره او آورده و به برخی آثار و تألیفات او اشاره کرده اما برخی نکات مهمی در خصوص حسین بن عبدالصمد وجود دارد که می توان اکنون در ذیل نام او به کتاب افزود. سوای چندین اثر که به دست خط او موجود است، نسخه بسیار مهمی از تهذیب الاحکام شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰) در دست است که بخشی از آن در کتابخانه ملک و بخشی دیگر در کتابخانه آیت الله مرعشی نگه داری می شود که حسین بن عبدالصمد کاتب آن است و نسخه از نسخه ای مهم (نسخه ای کتابت شده از روی نسخه اصل) کتابت شده و بعدها آن را با شهید ثانی هنگام اقامت در بعلبک و تدریس در آنجا مقابله کرده اند. نسخه اخیر اساس کتابت بسیاری از نسخه ای تهذیب الاحکام در عصر صفویه بوده است. همچنین سفرنامه حسین بن عبدالصمد به ایران و تتمه آن دیگر آثار بسیار مهمی است که روشنگر مطالب مجهول از زندگی او، چون تاریخ سفرش به

نیز آمده است: «تمت المقابلة بعون الله تعالى على الشيخ مصنفه - سلمه الله تعالى - الى قريب كتاب الحج و الباقي على السيد حسن الشقطي (السقطي؟) بنسخة مقابلة على الشيخ و مبلغ له بخطه على آخرها و الحمد لله رب العالمين و صلوته على نبيه محمد و آله الطاهرين». بنگرید به: محمد تقی دانش پیژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ش/۱۹۵۶)، ج ۵، ص ۲۰۳۷. شهید ثانی نگارش کتاب مسالک الافهام را از سال ۹۵۱ (که در ماه رمضان جلد اول کتاب را تألیف کرده) تا اواخر عمر شریفش در دست انجام داشته و آخرین مجلد کتاب را در هنگام مجاورت در مکه یا مدینه پس از ربیع الآخر ۹۶۴ به اتمام رسانده است. شهید ثانی در اجازه خود به تاج الدین بن هلال جزائری در شب جمعه چهاردهم ذی الحجة ۹۶۴ داده از کتاب مسالک یاد کرده (آقابزرگ، احیاء الدائر، ص ۳۲ از تاج الدین و اجازه زین الدین به او یاد کرده است) و گفته که کتاب اخیر در دست تألیف است (... و من أهها کتاب مسالک الأفهام فی تنقیح شرایع الاسلام، وفق الله تعالى لا کماله فی سبع مجلدات کبيرة.. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۴۳-۱۴۴. درباره کتاب مسالک الافهام و نسخه های آن همچنین بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «انجامه ها، راهی برای تبارشناسی نسخه ها (مطالعه موردی مسالک الافهام شهید ثانی)»، اوراق عتیق: مجموعه مطالعات متن پژوهی، نسخه شناسی و فهرست نگاری، به کوشش سید محمد حسین حکیم (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰ش)، ص ۲۰۹-۲۲۷. مرحوم آقابزرگ به تفاریق در احیاء به نسخه های مجلدات مختلف مسالک و تاریخ تألیف و یا کتابت آنها اشاره کرده اند و متوجه نگارش کتاب مسالک در چنین فاصله زمانی ۹۵۱ تا ۹۶۴ توسط شهید ثانی نیز بوده اند. بنگرید به: همو، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۷۸.

ایران (که بر اساس سفرنامه می دانیم، اواخر ۹۶۰ و اوایل ۹۶۱ بوده) و یا زمان جدا شدن او از شهید ثانی و مهاجرت به عراق پس از ترک بعلبک (ایام تشریق ۹۵۵ / یازدهم تا سیزدهم ذی الحجه) است. آقابزرگ (احیاء، ص ۶۲) همچنین به اهمیت اجازه شهید ثانی به حسین بن عبدالصمد نیز در ۹۴۱ اشاره کرده و به درستی تصریح کرده که اجازه اخیر دال بر مجتهد بودن شهید ثانی در تاریخ مذکور است که خود در اجازه حسین بن عبدالصمد را به اوصاف شخصی مجتهد ستوده است. اهمیت تعبیر اخیر در صورتی که به شرح حال شهید ثانی که ابن العودی در ضمن بغیة المرید آورده، مراجعه کنیم، معنی پیدا می کند. ابن العودی در ضمن شرح حال شهید ثانی تصریح دارد که شهید ثانی از ۹۴۴ به مرتبه اجتهاد رسیده بود اما آن را از اطرافیان خود پنهان می کرد و تنها در ۹۴۸ به بعد بود که مجتهد بودن خود را علنی کرده بود. با وجود چنین تصریحی از ابن العودی، با توجه به تعبیر اخیر که شهید ثانی در اشاره به منزلت علمی حسین بن عبدالصمد به کار برده و آقابزرگ نیز بدان توجه نشان داده، شهید ثانی در ۹۴۱ خود را مجتهد می دانسته که برای دوست خود چنان تعبیری را به کار برده است (برای تحلیلی از مشکلات شهید ثانی در اعلان اجتهاد خود بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «ابن العودی و کتاب بغیة المرید»، میراث شهاب، شماره ۷۴، سال نوزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲ ش، ص ۱۱۳-۱۱۴). اشاره ای به کتاب نور الحقیقه و نور الحدیقه حسین بن عبدالصمد که آقابزرگ در الذریعه (ج ۲۴، ص ۳۶۷-۳۶۸) نسخه ای کتابت شده توسط خود حسین بن عبدالصمد را معرفی کرده می تواند به شرح حال وی در اینجا افزوده شود، خاصه آنکه نسخه ای دیگر از کتاب نور الحقیقه که تقریباً سه ماه بعد و در استامبول توسط حسین بن عبدالصمد کتابت شده در کتابخانه لایدن در دست است و درباره اهمیت آنها به تفصیل در جایی دیگر سخن رفته است (دون استوارت، «نکاتی درباره حیات عالمان امامی در قلمرو عثمانی»، ترجمه محمد کاظم رحمتی، پیام بهارستان، دوره دوم، سال چهارم، شماره چهاردهم، بخش دوم، زمستان ۱۳۹۰ ش، ص ۱۶۶۳-۱۶۹۰). همچنین در سخن از برادر حسین بن عبدالصمد، یعنی نورالدین علی بن عبدالصمد (زنده در ۹۳۵) که ظاهراً از حسین بن عبدالصمد نیز بزرگتر بوده، از کتاب الدرّة الصفیة فی نظم الألفیة او سخن رفته که خوشبختانه دست کم در یک نسخه خطی اثر اخیر در دست می باشد، اثری که افندی (ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۱۴-۱۱۵) نیز از آن نام برده و نسخه ای از آن را دیده و بر اساس مطالب مندرج در آن

گفته نورالدین نزد شهید ثانی نیز تحصیل کرده که نشانگر آن است که نورالدین علی پس از مدتی اقامت در نجف به جبل عامل وزادگاهش جبع بازگشته است. احتمالاً نسخه‌ای که افندی دیده، نسخه‌ای باشد که اینک در ضمن مجموعه شماره ۴۳۱۶، رساله دوم (برگ‌های ۹-۳۱) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و محمد بن علی تبینی آن را پیش از ۶ رمضان ۱۰۱۱ کتابت کرده است. آقابزرگ مدخلی نیز به بهاء الدین محمد بن علی بن حسین العودی نویسنده بغیة المرید فی الکشف عن احوال زین الدین شهید اختصاص داده (احیاء، ص ۲۲۹-۲۳۰) و گفته که ابن العودی از ۹۴۵ تا ۹۶۲ در خدمت شهید ثانی بوده که البته می‌دانیم زمان آغاز آشنایی و شاگردی ابن العودی نزد شهید ثانی، ۹۴۰ است و تاریخ‌های متعددی پیش از ۹۴۵ در بغیة المرید آمده که بر این امر دلالت دارد.

